

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال پنجم
شماره ۶۰ - اسفند ۱۳۸۳ - مارس ۲۰۰۵

گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره سوم حزب اوضاع سیاسی جهان (۱)

مقدمه: رفقا و خوانندگان گرامی توفان. پس از پایان موفقیت آمیز کنگره سوم حزب کار ایران که به بسیاری مسایل و تحولات ایران و جهان برخورد نمود و نظریات خویش را در مورد آنها ابراز داشت بر آن شدیم که این اسناد را بتدریج در نشریه توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران به چاپ رسانده و سرانجام در یک سند جداگانه منتشر کنیم.

رفقای گرانمایه‌های فراوانی از ممالک مختلف شخصا و بصورت سازمانی برگزاری موفقیت آمیز کنگره حزب کار ایران را تبریک گفته اند. ما با سیاست فراوان از این رفقا، متاسفیم که نمیتوانیم همه این پیامها را در صفحات محدود ارگان حزب انعکاس دهیم. امیدواریم این محدودیت کار را بر ما با بزرگواری خویش خرده نگیرند

رفقای عزیز!

تضادهای اساسی که منظره عمومی سیاسی جهان را ترسیم میکنند همان تضادهایی هستند که ما در کنگره گذشته در کنگره دوم حزب کار ایران (توفان) در گزارش سیاسی بیان داشتیم. در این تضادهای اساسی تغییری پدید نیامده است. آگاهی به ماهیت این تضادها و شناخت

مبارزه این تضاد... بقیه در صفحه ۹

سفر آیت الله جرج واکر بوش به اروپا

آیت الله روح الله جرج واکر بوش با چهره ملکوتی برای جلب نظر متحدین اروپائیش راهی اروپا شده است. وی میخواهد نظر امپریالیستهای اروپا را برای ادامه اشغال عراق با تقسیم غنایم و پرداختن سهم ناچیزی به آنان جلب کند.

امپریالیست آمریکا پس از شکست مفتضحانه اش در عراق و پس از اینکه روز به روز بیشتر متحدین اولیه خویش را از دست داد و آبرویی در جهان برایش نماند تصمیم دارد ضرر را از جایی بگیرد که برایش منفعت است.

ماهیت دروغهای وی و یارانش در مورد سلاحهای کشتار جمعی در عراق و ادعای همکاری صدام حسین رئیس جمهوری رسمی مردم عراق با تروریستهای القاعده که آنها را بنام دین و سیاست بیان کرد امروز بر کسی پوشیده نیست.

این رئیس جمهور که خود را نماینده خدا میداند اسلحه زنگار گرفته دین را به بیان کارل مارکس همچون افیون، وسیله فریب توده های مردم ساخته است.

این رئیس جمهور با اتکاء بر سیاست "هر که با ما نیست برماست" ادعاهائی در مورد عراق و سایر ممالک جهان مطرح ساخت که دروغ بودن آنها بر کسی پوشیده نیست.

این رئیس جمهور جنگی را به مردم عراق تحمیل کرد که تا کنون ۱۳۰ هزار کشته بجای گذارده است.

این رئیس جمهور در زندان ابو غریب در عراق نشان داد که درکش از تحقق حقوق بشر چیست.

این رئیس جمهور نشان داد که منظورش از

تحمیل کرد که تا کنون ۱۳۰ هزار کشته بجای گذارده است.

این رئیس جمهور در زندان ابو غریب در عراق نشان داد که درکش از تحقق حقوق بشر چیست.

این رئیس جمهور نشان داد که منظورش از

این مقاله گرچه نظر به شرکت در انتخابات و تحریم آن دارد و قدیمی بنظر میرسد لیکن مضمون آن عمیق تر از عمل شرکت در "انتخابات" است. این مقاله اساسا نفس شرکت در انتخابات در ممالک تحت اشغال ارتش خارجی و ماهیت هواداران و مخالفان این اشغال را به بحث و بررسی میگذارد.

گرچه که در ظاهر چنین بنظر میرسد که "انتخابات" عراق گذشته است ولی روح نامقدس این "حماسه انتخابات" چون خفاشی خون آشام در بالای سر اپوزیسیون ایران در پرواز است. مردم ایران را باید در مقابل این هجوم ایدئولوژیک مسلح ساخت. "انتخابات"

در عراق در شرایطی صورت میگیرد که این کشور زیر سلطه بیگانگان است. اجانب به جان و مال و ناموس مردم عراق مسلط شده اند. احزاب مخالف حضور امپریالیستها

در عراق که نماینده اکثریت مردم عراق هستند نه حق انتشار روزنامه دارند و نه حق ایجاد تشکیلات و نه حق برگزاری نمایشات اعتراضی علیه قوای بیگانه. رسانه های گروهی عراق که توسط امپریالیستها فورا سرهم بندی شده تا با جعل اخبار و انتشار

این مقاله گرچه نظر به شرکت در انتخابات و تحریم آن دارد و قدیمی بنظر میرسد لیکن مضمون آن عمیق تر از عمل شرکت در "انتخابات" است. این مقاله اساسا نفس شرکت در انتخابات در ممالک تحت اشغال ارتش خارجی و ماهیت هواداران و مخالفان این اشغال را به بحث و بررسی میگذارد.

گرچه که در ظاهر چنین بنظر میرسد که "انتخابات" عراق گذشته است ولی روح نامقدس این "حماسه انتخابات" چون خفاشی خون آشام در بالای سر اپوزیسیون ایران در پرواز است. مردم ایران را باید در مقابل این هجوم ایدئولوژیک مسلح ساخت. "انتخابات"

در عراق در شرایطی صورت میگیرد که این کشور زیر سلطه بیگانگان است. اجانب به جان و مال و ناموس مردم عراق مسلط شده اند. احزاب مخالف حضور امپریالیستها

در عراق که نماینده اکثریت مردم عراق هستند نه حق انتشار روزنامه دارند و نه حق ایجاد تشکیلات و نه حق برگزاری نمایشات اعتراضی علیه قوای بیگانه. رسانه های گروهی عراق که توسط امپریالیستها فورا سرهم بندی شده تا با جعل اخبار و انتشار

این مقاله گرچه نظر به شرکت در انتخابات و تحریم آن دارد و قدیمی بنظر میرسد لیکن مضمون آن عمیق تر از عمل شرکت در "انتخابات" است. این مقاله اساسا نفس شرکت در انتخابات در ممالک تحت اشغال ارتش خارجی و ماهیت هواداران و مخالفان این اشغال را به بحث و بررسی میگذارد.

گرچه که در ظاهر چنین بنظر میرسد که "انتخابات" عراق گذشته است ولی روح نامقدس این "حماسه انتخابات" چون خفاشی خون آشام در بالای سر اپوزیسیون ایران در پرواز است. مردم ایران را باید در مقابل این هجوم ایدئولوژیک مسلح ساخت. "انتخابات"

در عراق در شرایطی صورت میگیرد که این کشور زیر سلطه بیگانگان است. اجانب به جان و مال و ناموس مردم عراق مسلط شده اند. احزاب مخالف حضور امپریالیستها

در عراق که نماینده اکثریت مردم عراق هستند نه حق انتشار روزنامه دارند و نه حق ایجاد تشکیلات و نه حق برگزاری نمایشات اعتراضی علیه قوای بیگانه. رسانه های گروهی عراق که توسط امپریالیستها فورا سرهم بندی شده تا با جعل اخبار و انتشار

این مقاله گرچه نظر به شرکت در انتخابات و تحریم آن دارد و قدیمی بنظر میرسد لیکن مضمون آن عمیق تر از عمل شرکت در "انتخابات" است. این مقاله اساسا نفس شرکت در انتخابات در ممالک تحت اشغال ارتش خارجی و ماهیت هواداران و مخالفان این اشغال را به بحث و بررسی میگذارد.

گرچه که در ظاهر چنین بنظر میرسد که "انتخابات" عراق گذشته است ولی روح نامقدس این "حماسه انتخابات" چون خفاشی خون آشام در بالای سر اپوزیسیون ایران در پرواز است. مردم ایران را باید در مقابل این هجوم ایدئولوژیک مسلح ساخت. "انتخابات"

اکاذیب به تحمیل افکار عمومی بپردازند فقط و فقط در دست عمال خود فروخته و دست نشانده پل برمر در بغداد است. حتی صندوقهای رای و ورقه های رای با یاری امپریالیستها و مرتجعین منطقه در کشور بیطرف سوئیس سرهم بندی شده است.

هدف از این نمایش انتخاباتی که نظیر انتخابات افغانستان در دنیا بی نظیر است و تاریخ مشابه آنها را تنها در دوران تسلط اشغالگران نازی و فاشیستها به خاطر میآورد مشروعیت بخشیدن به تسلط مشتی عمال خود فروخته و دست نشانده ارتجاع امپریالیستی در منطقه بهر قیمت است. همه دنیا میدانند که این رژیم دست نشانده و پوشالی است و نه تنها دستش به خون ده ها هزار عراقی آغشته است هرگز مورد حمایت مردم عراق نیست، ولی ایاد علاوی با سینه جلو داده و باد در غیبغ افکنده به همه ممالک اروپایی مسافرت میکند و بدون احساس شرم از اینکه نوکر امپریالیست است طلبکار از کار در میآید و حتی مورد استقبال سران ممالک امپریالیستی و

ارتجاعی ... بقیه در صفحه ۳

ارتجاعی ... بقیه در صفحه ۳

ارتجاعی ... بقیه در صفحه ۳

ارتجاعی ... بقیه در صفحه ۳

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

آرتور میلر...

تاریخ بشریت مورد پیگرد و آزار طبقه حاکمه آمریکا قرار گرفتند زیرا مغزهای بیمار آنها در این بزرگان علم و ادب و هنر، در پی یافتن "میکروب خطرناک کمونیسم" بود که نیاز به درمان داشت. بنظر آنها ایده انسانی کمونیسم، یک نوع بیماری مسری است و باید کمونیستها را در قرنطینه قرار داد و به درمانگاههای روانی گسیل داشت. دموکراسی نهادینه شده امپریالیستی این کار مهم را با همه زور و توان مالیش به انجام رسانید. آرتور میلر در ژوئن سال ۱۹۵۶ از طرف کمیسیون کنگره آمریکا که مامور رسیدگی به "سرکوب رفتار غیر آمریکائی" بود به حمایت از کمونیسم بین الملل که با هیستری ضد کمونیستی از آن غریبی برای بلعیدن آمریکائیا ساخته بودند، متهم شد. از آن جا که وی از بیان مطالب مورد میل کمیسیون و "اعترافات ضروری" خوداری کرد در سال ۱۹۵۷ به بهانه "بی احترامی نسبت به کنگره آمریکا"، بیک سال زندان تعلیقی و جریمه نقدی محکوم شد. فقط در سال ۱۹۵۸ پس از اعتراض به حکم دادگاه تبرئه شد.

از دادگاههای نمایشی دوران مک کارتی و جنایات امپریالیست آمریکا کسی سخنی نمیگوید و چه بسا آرزو دارند که کس دیگری هم از آن سخن نگوید تا این جنایات دموکراسی امپریالیستی به فراموشی سپرده شود ولی در مورد دادگاههای علنی و آزاد مسکو که با حضور نظار بین المللی برگزار شده و مثنی جنایتکار ضد انقلابی تروریست و کودتاگر را در آستانه تجاوز فاشیستها محاکمه میکرد کوهی از دروغ سیاه کرده اند. به متون نشریات بورژوائی مراجعه کنید تاریخ زندگی آرتور میلر را جعل کرده اند. نمونه آن کیهان همیشه دروغگوی لندن است.

آرتور میلر هیچگاه تعلق خاطر خویش به ایده انسانی کمونیسم را مستور نساخت. مردم آمریکا یکی از فرزندان بزرگ خویش را از دست دادند. آرتور میلر یک کلاسیک بزرگ بود. وی در توصیف دوران مک کارتی در مصاحبه ای با "یورن یاکوب روهر Jörn Jacob Rohwer" از نشریه سوئیسی "نویه زوریشه ساینونگ" مطالبی را بیان کرد که ما ایرانی ها را بی اختیار بیاد شهوت پرستی و تکفیر و فشار روحانیت حاکم در ایران میاندازد.

آرتور میلر با بازیگر زیباروی سینمای هالیوود مارلین مونرو ازدواج کرده بود که از قضا بسیار مورد توجه رئیس خوشگل پسند دادگاه "مبارزه با رفتار غیر آمریکائی" بود. آرتور میلر چنین بیان میکند: "یکروز قبل از احضار من برای بازجویی در مقابل کمیسیون "سرکوب رفتار غیر آمریکائی" رئیس کمیسیون به من اطلاع داد که اگر مارلین مونرو حاضر باشد با وی عکس بگیرد وی نیز حاضر است پرونده را ببندد. اما زمانیکه ما نظرش را رد کردیم، بازجویی ادامه پیدا کرد" (ژوئن ۲۰۰۳).

این آموزگاران اخلاق که برای مبارزه با "اخلاق ضد آمریکائی"، حمایت از "شیوه زندگی آمریکائی" بپاخاسته بودند برای یک لحظه سرکردن با همسر زیبای آرتور میلر که نخست به بهانه تصویر مشترک شروع میشد و انتهائی بر آن متصور نبود، حاضر بودند از "بیماری کمونیسم" وی بگذرند. آنها در پس پرده پیشنهاد غیر اخلاقی ای را به مارلین مونرو مطرح میکردند که در پیش

پرده مردم را از ارتکاب به آن منع کرده و آنها را مستوجب عذاب آخرت میدانستند. آنها همان آیت الله های آمریکائی بودند که چهره های عمامت بسرشان را ما امروز در ایران داریم. بی جهت نبود که آرتور میلر در مورد جرج دبلیو بوش بعد از ۱۱ سپتامبر و تجاوز به عراق گفت: "هیستری ضد تروریستی دستگاه اداری بوش ما را بیاد هیستری دوران مک کارتی می اندازد". وی کاملاً محق است زیرا همان نابکاران امروز بر مردم آمریکا حکم رانده و جهان را گامی به پرتگاه جنگ و نابودی نزدیک کرده اند.

آرتور میلر در سالهای ۶۰ پس از اینکه شاهد سرکوب روشنفکران معترض در شوروی بود به حمایت از آنها برخاست و به ایده الهای خویش وفادار ماند. آرتور میلر تا زمان درگذشتش در ۱۱ فوریه ۲۰۰۵ در سن ۸۹ سالگی به این اصل خود که میگفت برای "افزایش شعور بشریت" می نویسد وفادار ماند. وی یک نویسنده متعهد به مردم بود.

حزب کار ایران (توفان) درگذشت این مرد بزرگ را به جامعه ادبی جهان، به مردم آمریکا و به همه آزادیخواهان، دموکراتها و بشردوستان و نیروهای ضد امپریالیست تسلیت میگوید. ولی ما واقفیم که مادر دهر فرزندان این چنینی را در بطن خود میپروراند و آیت الله ها و مک کارتی ها در مقابل آنها عجزه هائی بیشتر نیستند.

سفر آیت الله جرج واکر...

و حقوق بشر نیست نماینده انحصارات امپریالیستی برای غارت جهان به هر قیمت است. زبان روشن شکنجه و تروریسم است. ناقض حقوق بشر، صلح، مدنیت، وحامی اختناق و استعمار است.

علیرغم این نکات منفی ماسینهای تبلیغاتی و شستشوی مغزی در ممالک امپریالیستی از چهره وی انسانی متدین و آرمانخواه میسازند که گویا برای خدمت به بشریت خواب بر چشمانش غلبه نمیکند.

این رئیس جمهور نماینده امپریالیست آمریکاست و میخواهد سیاست تجاوزکارانه خویش را در همه جهان ادامه دهد. تهدیدهای این امپریالیست خونخوار و بویژه تهدیدهای اخیرش علیه میهن ما ایران و دستاوردهای خلقهای ما که متعلق به همه مردم کشور ماست و نه مشتئی حاکم مرتجع که موقتا بر قدرت سیاسی تکیه زده اند به ملت های جهان هشدار میدهد که به هوش باشند. از ملت های جهان میطلبید که یکپارچه در مقابل این تهدیدها بپا خیزند و این بزرگترین خطر کنونی برای صلح جهان و بشریت را به جای خود بنشانند. امپریالیست آمریکا دشمن شماره یک بشریت است.

خلق قهرمان عراق در شرایط کنونی پرچم این مبارزه ملی و ضد استعماری را علیه این امپریالیسم در دست دارد و گور قوای اشغالگر را در عراق خواهد کند. تبلیغات امپریالیستها برای آنکه مبارزه توده ای و مقاومت ملی مردم عراق را که حدود دو سال است در جریان است تحریف کرده و به لجن بکشند در طول زمان ماهیت ریاکارانه خویش را نشان میدهد. آنها در تبلیغات خویش نیروی

مقاومت مردم عراق را به "تروریسم" متهم میسازند. حال آنکه امپریالیست آمریکا خود بزرگترین تروریست و راهزن جهانی است که حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها و ملت ها را تهدید میکند.

سیاست امپریالیستها نشان میدهد که مبارزه علیه تروریسم از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم جدا نیست.

تروریسم خوب و بد، خیر و شر ندارد. تروریسم آمریکائی همانقدر جنایتکارانه است که تروریسم صهیونیستها.

رئیس جمهوری که فقط به بزرگی قدرت دروغهانش در پی فریب مردم متکی بود با این کارش نشان میدهد که از مردم جهان میترسد.

باید مردم جهان را علیه امپریالیستها و به ویژه امپریالیست آمریکا در یک جبهه وسیع دموکراتیک و آزادیخواهانه بسیج کرد.

نیروهای مترقی جهان باید برای خروج بی قید و شرط نیروهای استعماری از خاک عراق مبارزه کنند. مردم عراق برای حق تعیین سرنوشت خویش به قیم نیازی ندارند و انجام یک انتخابات قلابی برای روی کار آوردن یک دولت "مشروع" سیاسی نیز راه نجاتی برای امپریالیست آمریکا و انگلستان نیست.

خلقهای منطقه در ایران، عراق، ترکیه و فلسطین باید قلم پای امپریالیستهای آمریکائی را در منطقه بشکنند و استراتژی امپریالیست آمریکا را با شکست روبرو سازند. شکست امپریالیست آمریکا در منطقه یک شکست استراتژیک و دارای ابعاد تاریخی است.

حزب کار ایران (توفان) به مسافرت جرج بوش به اروپا که با نیت غارتگرانه صورت میگیرد معترض است و اعلام میکند که با تمام قوا علیه خوشحالی امپریالیست آمریکا برای تجاوز به ایران مبارزه میکند. سرنگونی رژیم ارتجاعی و تروریستی جمهوری اسلامی وظیفه مردم ایران است و نه یک رژیم ارتجاعی، متجاوز و تروریست جهانی که دستش به خون مردم عراق و فلسطین آغشته است. ما خود این وظیفه را به نحو احسن در خدمت حفظ دستاوردهای مردم میهنمان انجام خواهیم داد. امپریالیستها باید خوایش را ببینند که سلطنت جنایتکارانه پهلوی را مجدداً در ایران بر سر کار آورند. جمهوری آتی ایران دیگر یک جمهوری مذهبی نخواهد بود بلکه بیک جمهوری مترقی و انسانی و انقلابی که یک جمهوری سوسیالیستی است ارتقاء خواهد یافت، تاریخ را باید به جلو سوق داد و نه به عقب و این جمهوری بزرگور جمهوری اسلامی و سلطنت و متحدین امپریالیستی آنها جشن میگیرد.

مرگ بر امپریالیست آمریکا دشمن شماره یک بشریت.

دست امپریالیست آمریکا از ایران و عراق کوتاه باد

ما خواهان خروج بی قید و شرط امپریالیستها... بقیه در صفحه ۸

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

انتخابات عراق...

نیز قرار میگیرد تا اعتبار بین المللی کسب کند. همه این رهبران محترم و دموکرات در ممالک امپریالیستی که دستکتهای سفید بدست دارند همه چیز را میدانند ولی میترسند که حقایق را برملا کرده و یا بر آن تکیه کنند. همه میدانند که ایاد علاوی مامور استعماری آمریکاست و نمیتواند نماینده واقعی مردم عراق باشد و نه حرفهایش سندیت دارد و نه از اراده مستقل برخوردار بوده و امضایش ارزش دارد، ولی با فشار امپریالیست آمریکا وی را تحویل میگیرند و لی لی به لالایش میگذارند. حقیقتا عجب دنیای زشتی شده است!!

حال صحنه ای را در نظر مجسم کنید که فیدل کاسترو رهبر بلا منازعه مردم کوبا در حال سکندری خوردن، مجروح شده بود و دستش در حال افتادن، بینی یک حاضر در صحنه را طوری زخمی کرده بود که از آن خون جاری شده بود، آنوقت بوقهای "دموکرات" امپریالیستی و نوکرانشان از سرنگونی فیدل کاسترو خونهای که در حین سرنگونیش جاری شده بوده است سخن میراندند و حنجره ها پاره میکردند. مسئله "خونریزی" فیدل کاسترو را برای طرح در شورای امنیت سازمان ملل آماده میساختند. آیت الله جرج واکر بوش سخنگوی کاخ سفید را مامور میکرد تا بیانیه کاخ سفید را در مورد حمایت از حقوق بشر جلوگیری از خونریزی به سمع مطبوعات جهان برساند. ولی ایاد علاوی پشتش به کوه احد است و نباید از هیچ ننگی واهمه داشته باشد. ماشینهای عظیم تبلیغاتی امپریالیستی از هر زشتی وی وجاهت و نکونی میسازند و به جهان بنحو دموکراتیک عرضه میکنند.

هدف از نگارش این مقاله نشان دادن ماهیت ایاد علاوی و انتخابات قلابی عراق نیست، "انتخاباتی" که نتایجش از هم اکنون با "پیروزی" چشم گیر و شرکت "عظیم" مردم عراق در آن نا گفته معلوم است. این نتیجه قابل انتظار بر هیچ انسان منصف و فهمیده ای پوشیده نیست. حتی همدستان امپریالیست آمریکا در منطقه نظیر ناسیونال شونیستهای فارس و کرد و ترک و آریایی نژاد سلطنت طلب و یا مجاهد مذهبی هوادار آمریکا و یا رویونیستهای عراقی این واقعیات را میدانند ولی مصلحتشان نیست که بر آن تکیه کنند. آیا میتوانید این صحنه را تصور کنید که عمال دست نشانده امپریالیستها و ارتجاع منطقه با تکیه بر حقایق از خالی بودن حوزه های انتخاباتی و عدم شرکت مردم در انتخابات خیر دهند و گزارش تهیه کنند و به شکست سیاست تجاوزکارانه آمریکا اعتراف کنند؟ مسلم چنین اعترافی را هرگز نخواهید دید و شنید. امپریالیستها به عراق نرفته اند تا دروغهای قبلی را با توسل به حقایق امروز تحت الشعاع قرار دهند. هدف آنها کسب نظر مردم نیست. مردم عراق نفرت خویش را از آنها مدتهاست بیان کرده اند. آنها میخواهند دروغهای گذشته را با دروغهای جدید کامل کنند. همه تاریخ سازی امپریالیستها جعلی و اکاذیب است و نباید به آن اعتماد کرد. ولی

هدف این مقاله نشان دادن ابعاد دیگری از مسئله است.

طبیعی است وقتی جریانی به انتخابات عراق که به اعتراف خودشان نیز همگانی نیست صحنه بگذارد و برایش "رای همگانی" مطرح نباشد آنوقت اساس حق انتخاب و انتخابات را به زیر پرسش برده است. آنوقت این جریان و یا فرد به هیچ انتخابی و انتخاباتی اعتقاد ندارد. وی فقط آن انتخابی را میپذیرد که انتخاب "خودیها" باشد. برای وی مهم نیست چند نفر در انتخابات شرکت کرده اند. اگر همه مردم عراق نیز این انتخابات را تحریم کنند باز برای این عده مهم نیست. آنها مشروعیت حکومت عراق را منوط بیک همه پرسی (رفراندوم) نمیکنند. همه پرسی آنها در واقع "همه پرسی" است. این عده از بغداد که به تهران میرسند بیکباره حامی "همه پرسی" اند. این عده در واقع برای نظر "همه" ارزشی قابل نیستند. چون اگر بتوان اعتبار "همه" بودن را بر اساس ملیت و قومیت و نژاد و مذهب و... تعیین کرد باید اذعان نمود که "همه" بودن اعراب در عراق با "همه" بودن ایرانی ها در ایران فرق دارد. آنوقت انگ نژاد پرستی را که به چهره شان میخورد باید پذیرا باشند. واقعیت اما این است که این عده در ایران نیز "همه" را قبول ندارند. یکبار این "همه" به ننگ تاریخ ایران یعنی به سلطه خاندان پهلوی پایان داده است ولی سلطنت طلبان اراده این "همه" را چون به نفعشان نیست نمی پذیرند. پس میبینیم که حمایت از انتخابات عراق ادامه سیاست مخالفت با انقلاب شکوهمند بهممن و فرو رفتن سلطنت به زیاله دان تاریخ است. آنها باید آرزوی روی کار آمدن خویش در ایران را به گور ببرند.

مگر انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی که نامزدهایش را شورای نگهبان غربال کرده بود با انتخابات قلابی عراق فرقی دارد. ولی برای رژیم جمهوری اسلامی مهم این نیست که مردم در انتخابات شرکت نکردند، مهم آن است که وی بتواند با تبلیغات و فشار رسانه های گروهی برای خویش مشروعیت بین المللی ایجاد کند. در ایران هم مردم میدانند که انتخابات قلابی بوده است و هم رژیم. در عراق هم وضع به همین وضع است. اگر در عراق یک رژیم نسبتا دموکراتیک بر سر کار بود نخستین شعارش باید این میبود که آیا مردم عراق با ادامه اشغال خاک کشورشان موافقت؟ در این صورت همه واجدین حق رای در این انتخابات بجز مثنی خود فروخته شرکت میکردند تا خواهان خروج امپریالیستها از طریق اظهار نظر مردم شوند. ولی چنین وضعی ایجاد نشده است زیرا که امپریالیستها میدانند طرح چنین پرسشهایی و یا مستقر ساختن دولتمردانی که چنین شهادتی داشته باشند پایان سلطه استعماری آنهاست.

آنها که برای شرکت در انتخابات عراق تبلیغ میکنند با ریاکاری میخواهند این باور را تبلیغ کنند که این انتخابات در شرایط آزاد

و دموکراتیک صورت میگیرد. شما کلمه ای از آنها مبنی بر اینکه این انتخابات تقلبی است نخواهید شنید، زیرا در چنین صورتی نفس شرکت آنها در یک انتخابات تقلبی که مورد حمایت مردم عراق نیست پرسش برانگیز است. حال صحنه ای را تصور کنید که در این انتخابات تقلبی مامورینی که قرار بود بر سر کار بیایند و تلاش عبث کنند تا بیک رژیم دست نشانده مشروعیت ببخشند، برنده شوند. آیا این پیروزی در انتخابات غیر همگانی و تقلبی به کسی مشروعیت بخشیده است؟ هم مردم دنیا از مسخره بودن آن با خبرند و هم مردم عراق. پس این همه زور و پول را برای چه هزینه میکنند. این عده بیک محمل ایدئولوژیک برای توجیه جنایات خویش و غارت عراق نیاز دارند. این عده بیش از همه ما میدانند که انتخابات قلابی است و در شرایط اشغال و غیر دموکراتیک، در شرایط حکومت نظامی صورت میپذیرد.

انتخاباتی را در جهان دیده اید که صورت نامزدهای آن تا ۲۴ ساعت قبل از انتخابات مخفی باشد و نامزدها در هیچ مکانی نطق انتخاباتی نکرده باشند و مردم چهره آنها را نشناسند؟

انتخابات عراق نه همگانی است و نه نامزدهایش علنی بوده و شناخته شده اند و نه در شرایط دموکراتیک صورت میگیرد. نتایج آن نیز از اول روشن است.

آیا میشود تصور کرد که این رژیم دست نشانده پس از "پیروزی سرگیجه آور" در انتخابات قلابی عراق بیکباره رگ غیرتش به جوش آید و به قوای اشغالگر با یک مهلت ۲۴ ساعته اخطار کند که باید خاک عراق را ترک نماید؟ عقل سالم میگوید که این تصور واهی است.

ولی عده ای هستند که این تصور واهی را واقعی جلوه میدهند. از انتخابات قلابی عراق حمایت کرده از تحریم آن خودداری نموده و مردم را به شرکت در آن دعوت میکنند.

این عده طبیعتا چاره ای ندارند که برای توجیه اعمال زشت خودشان تبلیغ کنند که انتخابات دموکراتیک است و همه نیروهای دموکرات در آن شرکت کرده اند.

این عده چاره ای ندارند جز اینکه تبلیغ کنند که حضور امپریالیسم در عراق به یک انتخابات دموکراتیک منجر شده و مردم عراق آزادی خویش را بدست آورده اند.

این عده چاره دیگری ندارند جز اینکه ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم را تحریف کنند و وی را مبشر آزادی، دموکراسی، و حامی حقوق بشر جا زنند. این عده چاره ای ندارند که سرنوشت مشابه سرنوشت مردم عراق را برای مردم ایران نیز آرزو کنند.

اگر امپریالیستها مبشر آزادی و دموکراسی بوده و حقوق بشر را در جهان مستقر میسازند باید نگارش تاریخ جهان را در قرن گذشته بطور کلی تغییر داد و اذعان کرد که کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی مصدق به مصلحت مردم ایران بوده است و باید پذیرفت که کودتای اندونزی بر علیه سوکارنو و کشتار کمونیستها با یاری آمریکا و یا تجاوز

به کره و ... **بقیه در صفحه ۴**

پشتیبانی از اشغال عراق و ارتش اشغالگر حمایت از استعمار است

انتخابات عراق...

ویتام و الجزایر و کودتای شیلی و... و یا هر جا رد پای کثیف امپریالیست آمریکا مشهود است به نفع بشریت بوده و باید از آن سیاست حمایت کرد.

اگر انتخابات آزاد و دموکراتیک آن است که در افغانستان و عراق انجام شده است بچه دلیل مشابه آن نباید در ایران انجام شود؟ اگر تجاوز امپریالیستها نتایج نیکو به بار آورده بچه دلیل تجاوز به ایران و کشتار مردم ایران به اتهام "بنیادگرایی اسلامی" و یا تروریست خواندن نهضت مقاومت ملی در میهن ما مذموم است؟

بچه دلیل پیشنهاد حمله به ایران برای آوردن دموکراسی و آزادی از طرف دولت متمدن آمریکا که سناریوی سفید را در ایران مستقر میسازد و آخوندها را به سزای اعمال جنایتکارانه شان می‌رساند مضر تشخیص داده میشود!! مگر سلطنت طلبان، توده ایها و اکثریتی ها و پیروان منصور حکمت دشمن آزادی، دموکراسی، استقلال و حقوق بشر هستند؟

آری هستند!

تفکری که از چهره دیوی بنام امپریالیست آمریکا که بیش از یک قرن تجربه تاریخی در مورد جنایات مهیبش وجود دارد، فرشته نجات بسازد، تفکری نیست که خواهان آزادی، استقلال، دموکراسی، عدالت اجتماعی و تحقق حقوق بشر در ایران باشد. این انحراف فکری که تحریف تاریخ است زمینه بروز هر تفکر انحرافی و خطرناک دیگری است که یکی پس از دیگری و نتیجه منطقی موضعگیری قبلی بروز میکند.

حمایت از انتخابات قلابی و ضد دموکراتیک در عراق صحنه گذاری بر این دروغ امپریالیستهاست که گویا آنها "متمدن" و سایر ملل "بربر"ند.

حمایت از انتخابات عراق، حمایت از اشغال عراق است، حمایت از انتخابات غیر همگانی و نامزدهای مخفی و تقلبی است، حمایت از رژیم آتی مسلوب الاراده ای است که بر حضور امپریالیستها در منطقه و بویژه در عراق به بهانه مبارزه علیه "تروریسم" صحنه میگذارد و باید به زیر قراردادهای استعماری امضاء بگذارد. حمایت از نقض اصل حق تعیین سرنوشت خلفا بدست خویش است.

حمایت از انتخابات قلابی عراق تائید آشکار نقض حقوق بین الملل و موازین برسمیت شناخته شده جهانی است که انتخابات در ممالک اشغال شده را نامشروع ارزیابی میکند. نه انتخاباتهای قلابی در زمان اشغال نازیها در ممالک زیر سلطه آنها مشروعیت داشت و نه انتخابات قلابی آمریکائیه در ویتام جنوبی و نه انتخابات تقلبی روسها در افغانستان و چکسلواکی و نه انتخاباتهای قلابی در ممالک افریقایی که زیر سلطه آشکار استعمارگران انگلیسی و فرانسوی بودند. هر کس که انتخابات قلابی عراق را تائید کند حامی تجاوز امپریالیست آمریکا به عراق بوده و دروغهای جرج بوش را در مورد استقرار دموکراسی و حقوق بشر در عراق و در خاور میانه و در سراسر جهان از

صمیم قلب پذیرفته است. تاریخ بشریت نمیتواند انتخاباتی را که زیر سلطه قوای اشغالگر و با حکومتی که ملعبه دست استعمار است برسمیت بشناسد و اصل حاکمیت مردم را که در زمان اشغال کشور اصل بی اعتباری اعلام شده است زیر پا بگذارد و به آن انتخابات قلابی مشروعیت بخشد. حامیان چنین روشی خائنین به مردم ایران هستند و خود را برای جاسوسی و همدستی با امپریالیست آمریکا آماده میکنند. حاکمیت مردم عراق زمانی جلوه میکند که خواست فوری و بی قید و شرط خروج قوای اشغالگر مطرح شود تا معلوم شود بجز مشتکی رهبران خود فروخته ناسیونال شونیست کرد و حزب برادر حزب توده ایران در عراق کسی خواهان اشغال عراق و اسارت مردم عراق نیست.

حمایت از انتخابات قلابی حمایت از تجاوز به عراق و آرایش چهره امپریالیسم بطور کلی است و نظریه ای ضد انقلابی و ارتجاعی است. حزب خائن توده ایران که تا کنون به نوکری روسها افتخار میکرد حال نوکری آمریکائیه را پذیرفته است و از انتخابات تقلبی در عراق که مظهر روشن استعمار است حمایت میکند. رویزیونیست همیشه همدست امپریالیست بوده است و ما بخوبی در اوضاع امروز جهان آنرا به عیان میبینیم. ولی خلق قهرمان عراق حزب برادر حزب توده ایران در عراق را که مانند برادر تنی اش در ایران راه خیانت به منافع ملی مردم عراق را در پیش گرفته است مجازات میکند. تا کنون چندین تن از این کمونیستهای قلابی و همدست امپریالیست در عراق به سزای اعمال خائنتانه خویش رسیده اند. اینها "کیسلینگهای" امپریالیستها در عراق هستند و مردم عراق باید همه این خائنین به خلق و عمل بیگانه را به سختی مجازات کنند.

تصور کنید که این دریوزگان سیاسی "اکثریت" آراء را کسب کنند و به قدرت رسند، آیا باور میکنید که آنها خواهان خروج بی قید و شرط امپریالیستها از کشورشان باشند و از آنها تقاضای غرامت کنند؟ آیا باور میکنید که این عده جرات نفس کشیدن داشته باشند و بخود اجازه دهند که به اوامر امپریالیستها گوش ندهند؟ این عده که مورد نفرت عمومی اند و به مردم کشور خویش متکی نیستند راه دیگری ندارند جز اینکه به نیروی اجنبی تکیه کنند. خروج قوای اشغالگر به مفهوم آن است که مردم قهرمان عراق این خیانتکاران را به سزای اعمال جنایتکارانه خویش خواهند رساند. پس این عده خواهان آنند که امپریالیستها تا ابد در عراق بمانند تا جان کثیف خود را حداقل نجات دهند.

منظره زیبایی را تصور کنید که عراق آزاد شده است. حزب برادر حزب توده ایران به کجا میخواید فرار کند؟

بجز اسرائیل چه کسی مجاهدین خلق را در دامانش راه میدهد؟

آیا میتوانی بر این کوتاه بینی سیاسی ببینید و این اقدامات جنایتکارانه را که به

قیمت جان هزاران هزار اعضاء فریب خورده تمام میشود محکوم نکنید؟ حقیقت این است که رژیم تقلبی بعدی باید به همه خواسته های امپریالیست تمکین کند. هر کس که جز این بیاندیشد ابله است.

مردم عراق خواهان خروج بی قید و شرط و فوری اشغالگران از خاک عراق اند.

مردم عراق برای تعیین حکومت خود به ولی فقیه و قیم نیازی ندارند. مردم عراق مردمی عاقل و بالغ اند و از سنن انقلابی فراوان برخوردارند. برسمیت نشناختن این حق طبیعی برای مردم عراق بی احترامی به آنها و صحنه گذاردن به توهینات و تحقیرات امپریالیستی نسبت به ملل جهان است.

این همدستی روشن با امپریالیست آمریکاست. دشمنان مردم عراق و حامیان انتخابات قلابی در عراق دشمنان مردم ایران نیز هستند. همین واقعیت حمایت جمهوری اسلامی از انتخابات قلابی عراق نشانه تقلبی بودن این انتخابات است.

پیروان منصور حکمت که مردم را با افسانه مسخره سناریوی سیاه و سفید مشغول کرده اند و مبارزه طبقاتی و ملی را بدور افکنده و بدنبال استقرار جامعه "مدنی" در عراق هستند با تشدید مبارزه ملی و آزادیبخش مردم عراق به شدت به دست انداز افتاده اند و موتورشان پت پت میکند. تئوریسین آنها آقای تقوایی برای رفع و رجوع بن بست سیاسی که در آن گیر کرده اند پیشنهاد داهیانه ای را مطرح میکنند. به نظر ایشان پس از تقریباً دو سال اشغال بی نتیجه حال باید امپریالیست آمریکا خاک عراق را ترک کند ولی قبل از ترک باید خدمت "اسلام سیاسی" که همان واژه جرج دبلیو بوش برای "تروریسم" است حسابی برسند و آنها را خلع سلاح کنند. البته اگر نهضت مقاومت مردم عراق و به زعم این تئوریسین بزرگ "اسلام سیاسی" سلاح بر زمین نگذارد آنوقت امپریالیست آمریکا باید تا زمان خلع سلاح کردن کامل آنها در عراق بمانند. وی میخواهد این کالای فاسد و پراز تناقض را که نتیجه عملی اش ادامه اشغال عراق است زیر روپوش مخالفت با اشغال به هواداران معترضش که دچار سرگیجه شده اند بفروشد. این پیروان صمیمی منصور حکمت فهمیده اند که ریشه تفکر انحرافیشان در نظریات ارتجاعی و لیبرالی منصور حکمت در همه زمینه ها نهفته است. تناقضاتی که در عمل و حرفشان پدید میآید مبنای ایدئولوژیک دارد، ضد کمونیستی است و این قصه فقط در عراق به پایان نمیرسد. این قصه سر دراز دارد. آنها قادر نیستند توضیح دهند که چگونه میخواهند تئوریهای پوچ خویش در مورد آزادیهای بی قید و شرط را، در عراق پیاده کنند. بهر طرف که بنگری مملو از قید و شرط است.

این جریان اسرائیلی در واقع هوادار ادامه اشغال خاک عراق است. این ها کسانی بودند که با یک کارزار جهانی از طریق اینترنت از جمع آوری کمک مالی و معنوی برای مبارزین عراقی ممانعت میکردند. حرفهای

آنها در ... **بقیه در صفحه ۹**

قطننامه کنگره حزب کار ایران ...

قرار دهد.
نظر به اینکه اشغال عراق ربطی به دموکراسی و حقوق بشر نداشته و ندارد و امپریالیسم آمریکا بر اساس ماهیتش نمیتواند چیزی بجز ویران سازی زیرساخت جامعه، قتل و خون ریزی و شکنجه و ناامنی به ارمان آورد.

حزب ما در ادامه سیاستهای صحیح خویش، اشغال عراق و ادامه آن را قویا محکوم میکند و از مقاومت مردم عراق که از هستی و استقلال و تمامیت ارضی خود به دفاع برخاسته و امپریالیسم آمریکا و متحدین اش را با بحران جدی روبرو ساخته اند، پشتیبانی میکند.

حزب ما نبرد دلاورانه مردم عراق را بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای گیتی در تضعیف امپریالیسم غول پیکر آمریکا ارزیابی کرده و حمایت از این پیکار ضد استعماری، مترقی و انقلابی را وظیفه همه کمونیستها، نیروهای ترقی خواه و همه آزادیخواهان جهان می داند.

حزب ما همصدا با نیروهای استقلال طلب و ضد امپریالیست عراق، خواهان خروج بی قید و شرط همه نیروهای اشغال گر از خاک عراق است و نخستین گام برای تحقق تشکیل حکومت ملی و مستقل و دموکراتیک را در بیرون ریختن تمامی راهزنان بین المللی از کشور عراق می داند.

حزب ما بر این باور است که فقط در روند نبرد آزادیبخش ملی و ضد امپریالیستی درعراق است که کمونیستها قادر خواهند بود اعتماد مردم را جلب کنند و انقلاب آزادیبخش را بدون واسطه به مرحله بعدی تکامل داده و عراق را در راه سوسیالیسم بیافکنند. در غیر اینصورت پا گرفتن نیروهای ارتجاعی و بنیادگرا مبارزه انقلابی و ضد امپریالیستی را سرانجام به بیراهه خواهند برد و صدمات جبران ناپذیری به جنبش خواهند زد.

حزب ما انتخابات قلابی و مسخره درعراق را که فاقد هر نوع مشروعیت می باشد، و در شرایط اشغال خاک عراق و حکومت نظامی و توسط یک دولت دست نشانده استعماری صورت می گیرد قویا محکوم میکند و شرکت در این مضحکه استعماری را به هر دلیل و توجیه ای که صورت گیرد، مشروعیت بخشیدن به اشغال امپریالیستی عراق و خیانت به منافع ملی مردم عراق ارزیابی میکند. تحریم این انتخابات و خواست خروج بی قید و شرط نیروهای اشغال گر از خاک عراق مهمترین و صحیح ترین شعار کمونیستها و نیروهای میهن پرست درعراق است.

حزب ما از پیکار مسلحانه مردم عراق علیه نیروهای اشغال گر و کارگزاران ریز و درشتش دفاع کرده و هرگونه تلاش برای تکه تکه کردن کشور عراق که خواست امپریالیست آمریکا و صهیونیستهای اسرائیلی است، شدیداً محکوم میکند.

حزب ما همدستی ناسیونال شونیستهای کرد به زعامت بارزانی و طالبانی و همچنین حزب تقلبی کمونیست عراق و "حزب کمونیست کارگری عراق"، این شعبه فرقه مسخره منصور حکمت و جمعیت ها و محافل مذهبی دیگر با نیروهای اشغالگر و امپریالیستی را محکوم

کرده و این جریانات را بعنوان خادمان امپریالیسم و صهیونیسم در عراق و منطقه ارزیابی میکند. تجربه عراق نشان میدهد که مبارزه با ناسیونال شونیسم، رویزیونیسم، ترشکیسم، اکونومیسم از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست .

زنده باد نبرد رهانیبخش مردم عراق علیه

ارتجاع و امپریالیسم!

زنده باد همبستگی خلقهای ایران و جهان با

مردم عراق!

خروج بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از

خاک عراق!

مجاهدین خلق و امپریالیسم ...

(نظامی شاه).

“در کیفر خواست ما را متهم به ارتباط با بیگانگان کرده اند. ما ایرانی هستیم و به تاریخ سرشار از مبارزه و پیکار خود افتخار میکنیم... و دخالت هیچ کشوری را در مورد میهن خود نمیپذیریم و بهمین دلیل است که ما برای بریدن دست بیگانگان و غارتگران امپریالیست مبارزه میکنیم.

....

بگذار شکنجه کنند، بگذار رگ و پوست ما در راه خلق فدا شود. تا ظلم هست مبارزه هست و تا مبارزه هست شکست و پیروزی هست ولی سرانجام پیروزی متعلق به خلق است. این را من نمیگویم این را تاریخ میگوید. این را نبرد قهرمانانه خلق ویتنام میگوید. ... این را خلقها میگویند و خلقها حقیقت را میگویند.“

(نقل از دفاعیه مهدی رضائی گل سرخ انقلاب ایران در بیدادگاه نظامی رژیم وابسته به امپریالیسم ایران).

“در پایان جنگ امپریالیسم ناجوانمرد دیگری بروز کرد و قدم در راه انگلیس گذاشت. این کشور استعمار طلب ایالات متحده آمریکا بود که اکنون در ویتنام برای کانوکی(ژنرال کانوکی عامل دست نشانده آمریکا در ویتنام بود که پس از کودتای امپریالیست آمریکا بر علیه نوکر قبلیش آقای نگودین دیم بر سر کار آمدتوفان) سینه میزند و در ممالک دیگر پشتیبان ارتجاع است. در ایران... کار بجانی کشید که آمریکا طلب سهم خود را میکرد. اشتباه دولت وقت (مصدق) عدم توجه به ماهیت امپریالیسم آمریکا بود. آمریکا تمام سهم نفت عربستان سعودی را بخودش اختصاص داده بود و در مورد ایران نقشه مشابهی داشت.“

(نقل از آخرین مدافعات آقای مسعود رجوی در دادگاه نظامی سری رژیم وابسته به امپریالیست آمریکای پهلوی).

آقای رجوی بدرستی به اشتباه دکتر مصدق تکیه میکند که نتوانست ماهیت امپریالیسم آمریکا را بشناسد. این عدم شناخت برای مبارزه ضد استعماری مردم ایران نتایج وخیمی داشت. حال اگر مصدق در سالهای ۳۰ در قرن بیستم قادر نشد ماهیت امپریالیسم

و بویژه امپریالیسم آمریکا را بشناسد شاید نتوان بر وی از نظر معرفتی و آنهم در پرتو خدمات قابل ارجش ایراد گرفت ولی چنانچه کسی در قرن بیست یکم پس از شاهد بودن فجایع مستمر این امپریالیسم به وی چشم امید ببندد و خط مشی خود را برای کسب نظر این عفریت بشریت تغییر دهد آنگاه یا یک کاسیکار نا وارد سیاسی است و یا جنایتکاری است که حقیقت را میدانند ولی آنرا وارونه جلوه میدهد.

باید پرسید که این اقدامات جنجالی و بی نتیجه و کینه توزانه غیر سیاسی که بنفع مردم ایران نیست چه انگیزه ناسالمی را باید دوا کند، فایده اش چیست؟ رژیم را که در قالب مجاهدین امپریالیستهای آمریکائی بر سر کار آوردند در ایران ما دوامی ندارد، در میان مردم احترامی ندارد، رژیمی دست نشانده است که باید برای حفظ خود به راه شاه و شیخ برود. نفس این موضعگیریها و پشتک وارو زدنهای ناشی از سرگیجه و بن بست سیاسی است و عملاً نقض غرض است. نفی آرمانهای انقلاب شکوهمند بهمین است. تقی بر گذشته است. و هرگز قابل توجیه نیست. بقاء بهر قیمت تن دادن، بی ارزشترین نوع بقاء است. مرده های متحرکی که فاقد حداقل احترامند.

حال به اسناد جدید توجه کنید.

برنامه مونیتر شماره ۵۲۸ بتاريخ پنجشنبه ۳ فوریه ۲۰۰۵ از ساعت ۲۱/۵۴ تا ۲۲/۳۰ دقیقه از کانال یک تلویزیون آلمان مطالب زیر را منعکس کرد.

“تفچه های سری دولت آمریکا- گزارش “مارکوس اشمیت Markus Schmidt” و “جان گوتس John Goetz”.

هدف جنگ ایران:

حمله نظامی به ایران- فیلمنامه مدتهاست که نوشته شده است و اکنون تدارکات آن انجام میشود. نیروهای ویژه هم اکنون با ماموریت از طرف آمریکا مشغول فعالیت اند. برای این منظور سازمان سری وزارت دفاع آمریکا روی مجاهدین خلق دشمنان خونی رژیم ملایان ایران حساب باز کرده است.

این سازمان از طرف دولت آمریکا در سال ۱۹۹۷ و از طرف اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۲ بعنوان “سازمان تروریستی” رده بندی شد. هم عرض با القاعده“.

آنگاه بعد از این توضیح کوتاه با یکی از مامورین سازمان “سیا” مصاحبه میکند.

ری مک گاورن Ray Mc Govern مامور سابق سیا “CIA” میگوید: “به چه دلیل آمریکائیا با سازمانهای نظیر مجاهدین خلق همکاری میکنند. برای اینکه آنها در محل حضور دارند و حاضرند اسب درشکه ما شوند. قبلیها برای ما سازمانی تروریستی بودند. امروز هم تروریستی اند، لیکن حالا تروریستهای خود ما هستند و ما در اعزام آنها به ایران تاخیری بخود راه نمیدهم.

همه بندها به پنتاگون ختم میشود، در اینجا لشگرکشی به عراق تدارک دیده شد، در اینجا از پائیز ۲۰۰۲ عملیات مربوط به ایران در جریان ...

بقیه در صفحه ۶

مبارزه با تروریسم از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست

مجاهدین خلق و امپریالیسم...

است. اینجا مرکز قدرت جناح موسوم به محافظه کاران نوین است. برای آنها عراق نخستین گام برای سرنوینی قدرتمندان تهران است.

...

آنها اکنون از مرز به ایران برای فعالیت‌های سری معمولی اعزام میشوند. دستگاه‌های ردیاب نصب کنند برای اینکه برنامه اتمی ایران را کنترل کنند. اهداف حمله را برای حملات هوایی مشخص کنند شاید هم اردوگاه‌های سری تاسیس کنند و استقرار نیروهای نظامی را کنترل کنند. یک کمی هم خرابکاری.

“آنها تروریست اند، لیکن تفاوت بزرگی است که تروریست‌های من هستند یا تروریست‌های تو هستند.”

یکی از کارمندان زن وزارت جنگ آمریکا در مصاحبه خویش اطلاعات خود را در مورد مجاهدین چنین بیان میکند:

“کارن کیویاتکفسکی Karen Kwiatkowski” کارمند سابق پنتاگون می گوید: “قبلا در پائیز سال ۲۰۰۲ موقعیکه ریاست جمهوری برای حمله به عراق مشغول فعالیت بود، نظر اداره برنامه ریزی ویژه به ایران معطوف بود. محافظه کاران نوین در این مورد فکر میکردند که روششان در مورد ایران چگونه باشد. در تصور جهانی آنها ایران از مدتها قبل یک هدف مورد نظر بوده است.

ویدیوی آموزشی مجاهدین (بخش فیلمی از آموزش نظامی مجاهدین). از سالهاست که پنتاگون فشار میآورد که نام مجاهدین را از فهرست تروریستها حذف کند و آنها را به عنوان نیروی مقاومت به رسمیت بشناسند. برای برنامه ریزان جنگ، آنها متحدین طبیعی هستند، آموزش دیده در فن خرابکاری، منضبط و تعلیم یافته.”

“مجاهدین خلق حاضرند اقداماتی بکنند که ما خود از انجام آن شرم داریم و ترجیح میدهم در موردش سکوت کنیم. معذالک دقیقا برای چنین ماموریت‌هایی از آنها استفاده میکنیم.”

محمد محدثین که در گذشته بنحو چندش آوری افتخار میکرد از اینکه رژیم جمهوری اسلامی شهدای مجاهدین را در لای پرچم آمریکا می‌پیچد و به خاک میسپارد و این را نشانه نزدیکی مجاهدین از بدو امر به آمریکائیا میداند، در مصاحبه خویش بیشتر در فکر آن است که قیمت مجاهدین را مانند تجار “محترم” بازار افزایش دهد. هر چه تعداد اعضاء و هواداران را در ایران بالا برد ابهت و بهایشان در نزد آمریکائیا افزایش مییابد و بیشتر روی آنها سرمایه گذاری میکنند. طبیعی است که سرمایه گذاری امپریالیستی بدون طمع و چشمداشت نیست و خوش خیالی است اگر عده‌ای فکر میکنند مشغول آند تا سر امپریالیست را کلاه بگذارند و یا حداقل برای فریب اعضایشان این نوع استدلال مسخره را به کار میگیرند. بگذریم، آقای محمد محدثین که چوب حراج را بر سر مجاهدین میزند بعنوان سخنگوی مجاهدین میگوید: “همکاری با آمریکائیا؟

آنها ما را کنترل میکنند، و طبیعتا مواظب ما هستند. واحدهای ما در عراق فقط بخش کوچکی از جنبش ما را تشکیل میدهند. ما چند هزار هوادار در ایران داریم.”

مونیتور ادامه میدهد: مبارزان مجاهد بهترین تماسها را با آمریکا در واشنگتن و در پشت پرده دارند.

و سپس در بخش دیگری از برنامه می‌آورد: دیداری از شرکت خصوصی گلوبال اوپشنز Global Options. زمینه تخصصی این شرکت دادن آموزش نظامی در سراسر جهان است.

بر اساس تحقیقات مونیتور این شرکت برای یافتن مربیان نظامی برای مجاهدین فعالیت میکند، و با ماموریت از طرف پنتاگون همکاریهای لازم را هماهنگ میگرداند.

در مورد پرسش نقش واسطه‌گی آنها، پاسخ مبهم غیر قابل انتظاری میدهند. همکاری، بله، ما همدیگر را میشناسیم، لیکن از پرداخت مستقیم برای خدمات به شرکت خبری نداریم.”

نیل لویینگ استون Neil Livingstone مسئول گلوبال اوپشنز میگوید: مجاهدین خلق مدتهاست که از تروریسم دست کشیده اند. در حقیقت امر مسخره ای بود که آنها را در فهرست تروریستها قرار دهند. در واقع داروی مسکنی برای دولت ایران بود. امتیازاتی برای اینکه مذاکرات را با آنها به پیش ببرند. ما با مجاهدین کار نمیکیم. من مهمان آنها بودم، من برایشان در کنگره(کنگره آمریکائیتوفان) بدون چشم داشت تبلیغ میکردم. زیرا که من مدتهاست مناسبات حسنه ای با آنها دارم. مدت سی سال.”

تضادی از زبانی قابل استناد: رئیس بخش سابق خدمات سری نظامی لانگ، به مونیتور بیان کرد: گلوبال اوپشنز از طرف پنتاگون بعنوان رابط تعیین شده است تا سرپوشی بر همکاری پنتاگون با یک سازمان تروریستی بگذارد.

پات لانگ Pat Lang میگوید: “اغلب برای عملیات سری بیک محکم کاری نیاز است. از جمله اینکه این عملیات به حکومتی که ماموریت انجام این عملیات را داده است ربط پیدا نکند. این از آن جهت مهم است که اگر عملیات با شکست روبرو شد و رو شد بتواند بگویند که ما نبودیم دیگران بودند. پرسشگر: و این دیگران گلوبال اوپشنز است؟

لانگ: دقیقا همان چیزی است که من هم شنیده ام.

آنها مجددا یک سر معامله اند. ولی این بار در طرف صدام حسین نیستند در طرف آمریکا هستند.

همیشه قابل استفاده، همیشه توپ بازی منافع ها.”

از کنار این گزارش پس از روی کار آمدن مجدد بوش در آمریکا نمیتوان بر راحتی گذشت. این بخشی از سیاست امپریالیسم در ایران است که با چند دست بازی کند تا با یکی از آنها برود.

علم کردن پس مانده های پهلویها و ساواکیها

و رستاخیزیها، علم کردن کنفرانس برلینی ها و رفراندمی ها، علم کردن ناسیونال شونیستهای کرد ایرانی و کردهای آموزش دیده در اسرائیل و آمریکا به ایران و حتی سازمان دادن مهاجرین یهودی ایرانی از اسرائیل به ایران و ورود به سر زمین مادریشان که هیچگاه نتوانسته اند تعلق خاطرشان را به ایران از یاد ببرند!! ورود مجاهدین و پاره ای سازمانهای مورد حمایت برای تکمیل حمایت از “جنبش مردمی جرج بوشی”، اوکرائینیزه کردن ایران بنحو شرقی است.

جالب این است که بدانید نام سازمان مجاهدین خلق ایران در آلمان نیز در فهرست سازمانهای تروریستی قرار گرفته است. سازمان امنیت آلمان بسیاری از فعالان و هواداران مجاهدین خلق را به بازجویی فراخواند و آنها را تحت نظر گرفت و فعالیتشان را در آلمان ممنوع ساخت. چنین سازمانی پس از این که در عراق حاضر به همکاری با امپریالیسم آمریکا شد و با آنها “قرارداد آتش بس” امضاء کرد(حتما آمریکائیا از مجاهدین ترسیدند و مجبور شدند با آنها کنار بیایند تا تلفات زیادی متحمل نشوند.توفان) بیکیاره در شهر برلین جسورانه و با اعتماد به نفس کامل در حالی که مهر تروریست بر پیشانی بود تقاضای برگزاری تظاهراتی در ۲۲ بهمن به مناسبت ۲۶مین سالگرد انقلاب ایران علیه رژیم جمهوری... **بقیه در صفحه ۹**

مشک آن است که خود ...

را پیروزی نشان دهند بهترین سند ورشکستگی آنهاست.

حوزه های اخذ رای در شرایط اشغال خاک عراق و استقرار حکومت نظامی بکلی خالی بود. رسانه های گروهی مجاز نبودند اخبار واقعی انتخابات را منتشر کنند. صفهای مصنوعی توسط اقلیتی ناچیز را با هنر فیلمبرداری بزرگ کرده و بر روی آنتهای تلویزیونی جهان میفرستادند، تا حقانیت تجاوز جرج بوش را توجیه کنند. آنها عراقیهای خارج از کشور را با فشار دول امپریالیستی به پای صندوقهای رای فرا خواندند. به جز در سوئد که اکثریتی از ناسیونال شونیستهای کرد و همدست امپریالیستها لانه کرده اند و در انتخابات قلابی با دهل و سرنا برای گرم کردن هیاهوی امپریالیستها شرکت کردند در سایر ممالک جهان عراقیهای شرافتمند علیرغم خطر متهم شدن به “تروریست” از شرکت در این انتخابات سازمانیافته و پر خرج و نقلی دوری جستند. تهدیدات دول امپریالیستی نیز نتوانست آنها را به پای صندوقهای رای بیاورد. در ایران غیر دموکراتیک نیز ظاهرا انتخابات دموکراتیکی صورت گرفت و عراقیهای مقیم ایران ناچار شدند از ترس متهم نشدن به “تروریسم” و مخالفت با “آمریکا” و “ایاد علاوی” و احزاب شیعه زیر نفوذ ایران “آزادانه و “داوطلبانه” در انتخابات شرکت کنند. معلوم شد در ایران استبدادی انتخابات آزاد هم میتواند صورت پذیرد.

رسانه های جهان که انحصارشان در دست امپریالیست هاست بیشتر به این دو انتخابات “پرجمعیت” تکیه... **بقیه در صفحه ۷**

تبلیغات امپریالیستها محصول ماشین جعلیات آنهاست

مشک آن است که خود ...

کردند. مشتی تصاویر مخلوط چند هزار نفری از واجدین و غیر واجدین شرکت در انتخابات را آنهم از جمعیت ۱۵ میلیونی واجدین شرکت در انتخابات سرهم بندی کرده و با همه هنر مکارانه فیلمبرداری و استعداد دروغپردازی به نمایش گذاردند تا فقط نماتی از شرکت مردم را در انتخابات به خورد افکار عمومی جهان بدهند.

انتخابات قلابی عراق یک جنگ روانی برای ارتش شکست خورده آمریکا در عراق است. مخارج تلویزیون عراق و نشریه «الزمان» لندن را در عراق سازمان امنیت عربستان سعودی پرداخت میکند که زیر نفوذ کامل آمریکا و انگلیس است. سایر نشریات و رسانه های گروهی زیر کنترل مستقیم قوای اشغالگر هستند تا جعل سند را از قول مقامات عراقی کامل کنند. چه فرقی برای امپریالیست‌هایی که جنگی خامن‌سوز و جنایتکارانه را با دروغ و عوامفریبی آغاز کرده اند، میکند که بر کوه های ریاکاری خود تپه های بیشتری نیز از عوامفریبی انبار کنند. دروغ «موفقیت انتخابات» در عراق و با «شرکت عظیم مردم عراق در انتخابات» نتیجه منطقی دروغهای قبلی است و طور دیگری هم نمیتواند باشد. زیرا با استناد به این دروغ جدید میتوان سرنگونی رژیم صدام حسین را بدست قوای خارجی و استقبال مردم عراق را از مشتی آدمخوار ددمنش توجیه کرد و افسانه استقرار دموکراسی در عراق را بر صفحه اول نشریات جهان منتشر ساخت.

وزیر امور خارجه تازه از راه رسیده آمریکا که از هول حلیم در دیگ افتاده بود با احمق شمردن مردم جهان تعداد شرکت کنندگان در انتخابات را ۸۰ در صد اعلام کرد. این ادعا مغایر ادعای سفیر اردن در آمریکا بود که تحریم کنندگان را به رقم ۴۰ در صد کاهش داده بود. کمیسوین انتخابات عراق که عقلش از وزیر امور خارجه آمریکا ظاهرتر است با شرمساری تعداد آنرا در جریان انتخابات به ۷۰ درصد کاهش داد و پس از پایان انتخابات آنرا با رقم ۶۰ در صد تصحیح کرد. تعداد واقعی به مراتب از این مقدار نیز کمتر است. آخر مگر امکان داشت که رژیم دست نشانده عراق اعلام کند تعداد شرکت کنندگان در انتخابات ۳۰ در صد بیشتر نبوده است که اکثریت آنها را نیز کردهای خود فروخته تشکیل میدادند. اکثریت مردم عراق اعم از کردهای شرافتمند و انقلابی و عرب و ترک و یا شیعه و سنی در این انتخابات شرکت نکرده اند.

این واقعیتی است که با هیچ دسیسه ای نمیتوان آنرا کتمان کرد. آواز دسته جمعی و هماهنگ شده همه رسانه های فریبکار امپریالیستی و ارتجاعی برای فریب مردم است تا در یک جنگ روانی روحیه مقاومت را که به چنین شبکه اطلاعاتی قدرتمندی مسلح نیست درهم بشکنند. حال خوب است به اسنادی که تا کنون از این انتخابات قلابی منتشر شده است مراجعه کنیم. آموزش و تعمق در این اسناد برای هموطنان ایرانی ما بسیار مهم و حساس و سودمند است.

«نشریه اشترن شورت نیوز Stern shortnews در تحت عنوان «انتخابات در عراق: اسرائیلی ها نیز مجازند در اخذ رای شرکت کنند»

«در تاریخ ۲۰۰۵/۰۱/۱۵ نوشت: سخنگوی اداره مرکزی انتخابات کشور عراق در خارج اعلام کرد که در انتخابات عراق کسی بعلت

تعلقات مذهبی، نژادی و یا جنسیتی از حق رای محروم نمیشود.

برای شرکت در انتخابات عراق کفایت که تابعیت عراق را در حال و یا گذشته دارا باشد. وی تاکید کرد که این حکم حتی در مورد اتباع اسرائیلی نیز معتبر است. پس از تاسیس دولت اسرائیل ۱۳۰ هزار یهودی عراقی به اسرائیل رفته اند.

فرزندانی که پدرانشان عراقی اند و نه کودکانی که مادرشان عراقی اند دارای حق انتخاب اند. «نشریه اسرائیلی هارث تحت عنوان «جشن دموکراتیک»، انتخاب کننده اسرائیلی» نوشت:

آقای و. ساهم Ulrich w.Sahm از شهر اورشلیم (بیت المقدس-توفان) گزارش زیر را برای تلویزیون ن.ت.فا ntv ارسال کرده است.

آقای سامی ساموخا Sami Samoucha در نشریه اسرائیلی هارث Haaretz شرح رای دادنش را بعنوان تبعه اسرائیلی در شهر امان در اردن هاشمی در جریان انتخابات عراق بطور مفصل بیان کرده است.

«هیچ چیز باعث شگفت زده گی من از چهره پرسشگر ناظران رای گیری در دبستان دخترانه در محله صفویه در شهر امان (پایتخت اردن- توفان) نشد. من گذرنامه اسرائیلی و سند قدیمی ۵۴ ساله خروج پدر بزرگم را از عراق که با ملاحظه «ترک عراق برای همیشه» همراه بود به مقامات امنیتی و ناظران انتخاباتی ارائه کردم.»

نگاه ناظر سبیلوی انتخاباتی میان تحقیر تا تعجب تغییر میکرد. با چهره متحجر با گرانبهاترین سند خانواده من در یک اطاق کناری گم شد و به من فرمان داد در کنار مامورین باقی بمانم. پس از پنج دقیقه مرد سبیلوی در حالیکه لبخندی سراسر چهره اش را پوشانده بود ظاهر شد و به نگهبانان به عربی گفت، «خوش آمدید، لطفا دنبال من بیایید، Welcome, please follow me».

چهار زن و یک مرد جوان از قبل منتظر من بودند. همه آنها لبخند میزدند. با یک صمیمیتی که من نظیرش را تا آن هنگام در انجام یک عمل بروکراتیک ندیده بودم و به من صندلی تعارف کردند. من فقط یک واژه عراقی میشناختم «آشلونک Aschlonk» حالت چطور است؟ کارت انتخاباتی و گذرنامه اسرائیلی من ضمیمه هم در جیب پیراهم بود.

من میخواستم بعد از اینکه عراق اعلام کرده بود که همه عراقی های بالای ۱۸ سال صرفنظر از مذهب، جنسیت و یا ملیت میتوانند رای دهند، رای دهم. یک ناظر انتخاباتی سبیلوی با صورت افتاده به من نشان داد که انگشتم را روی یک ابری فشار دهم که در مرکب تیره رنگی غوطه ور بود. «رنگ اش بعد از یک ماه از بین میرود» این را مرکب چی دبستان دخترانه صفویه بر زبان آورد.

مسرور از سیاه کردن انگشت من تا از رای دادن مجدد جلوگیری شود به من یک ورقه اخذ رای به بزرگی یک پُستر داد که ۱۱۱ نام عربی به روی آن نوشته بود و مرا به پشت پرده فرستاد.

ولی من فقط انگلیسی و عبری میفهمم. یکی از ناظران انتخاباتی را صدا کردم. گفت که «نام

حزب را در گوشم بگویند» و اسم حزب را بر ورقه رای نوشت. من معترضانه گفتم «چنانچه من اسامی را مقایسه کنم تا حزب مورد نظر را پیدا کنم ساعتها وقت میگذرد و سایر رای دهندگان نا شکیبا میشوند». وی با انگشت محلی را روی ورقه رای نشان داد و من آنرا با یادداشت مقایسه کردم و چهار بار علامت گذاردم و آنگاه ورقه اخذ رای را به داخل صندوقی که بعلت شفافیت محتوایش از بیرون معلوم بود انداختم.

برخی عراقی ها حاضر در اطاق به من با مهربانی سلام کردند و برای نخستین بار خندیدند، مرکب چی نیز که در کنار دیس مرکب ایستاده بود به من خندید. سرشار از خوشحالی یک تاکسی میگیرم و رهسپار اسرائیل میشوم. فقط انگشت سیاهم مدتها به من یادآوری میکند که در یک جشن دموکراتیک شرکت کرده ام.

این دو نمونه نشان میدهد که چه دستهای کثیفی در کار آرایش کردن یک انتخابات تقلبی و مسخره و آنهم با چه بیشرمی و وقاحتی دست دارند. رای دهنده اسرائیلی دشمن عراق و اعراب است. زبان عربی نمیداند و لذا نمیداند و نمیتواند هم بداند که ۷۲۰۰ نفر نامزدهای قلابی عراقی چه برنامه ای دارند، حتی قیافه افراد مورد نظرش را نمیشناسد، نمیداند نام آنها را چگونه مینویسند، ولی در جیبش یک یادداشتی دارد که حکم ورقه تقلب (مصطلح به «تت» توفان) را بر سر امتحان دارد. از روی آن رونویسی و بهتر بگوئیم نقاشی میکند تا حزب مورد نظر دولت اسرائیل در عراق بر سر کار بیاید. دولت اردن این اسرائیلی را که تابعیت عراق ندارد به خاک اردن راه میدهد و برایش تسهیلات فراهم میکند تا بطور غیر مجاز در رای گیری به استناد بندی ساخته و پرداخته استعمارگران در قواعد انتخاباتی رای دهد. تعداد این افراد با خانواده هایشان پس از حدود ۶۰ سال ترک خاک عراق تقریباً چند صد هزار نفر است. آنها خود را صاحبان اصلی عراق میدانند که توسط اعراب از آنجا رانده شده اند. و آنوقت این نمایش مضحک را «جشن دموکراتیک» میخوانند. این یهودیها همان کسانی هستند که به کردستان عراق آمده و زمینهای کردستان را بعنوان عراقی میخرند و با ایران ما همسایه شده اند. هم اکنون زمزمه هائی را مطرح میکنند که گویا هزاران خانواده کرد یهودی از ایران به اسرائیل رفته اند و بطور موقت در آنجا ساکنند. آنها هنوز خود را ایرانی میدانند!!؟

از این جمله مثالها دو تن دیگر از اسرائیلیها هستند که در انتخابات عراق دست داشته اند.

دو تن از این جاسوسان عرب اسرائیلی بنامهای «تئیل ژرژ یعقوب رزوق» و «احمد یاسین تختی» توسط نیروهای مقاومت در عراق دستگیر شدند. دولت اسرائیل تأیید کرد که این دو نفر در تاریخ ۲۰۰۴/۳/۱۴ از اسرائیل به اردن رفته اند. ربایندگان در قبال آزادی آنها آزادی اسرای شیعه و سنی را که توسط نیروهای آمریکائی و متحدینشان اسیر شده اند طلب میکنند. باید پرسید که مگر عراق جنگ زده محل بسربردن ایام مرخصی است که دو اسرائیلی عرب زبان به آن وارد شده اند؟ مگر حکومت دست نشانده عراق اسرائیل را به رسمیت شناخته است؟ از کی؟

انتخابات عراق در شرایطی صورت گرفت که بر اساس همه... **بقیه در صفحه ۸**

مشک آن است که خود ...

موازین برسمیت شناخته بین المللی غیر دموکراتیک است. از همین چند نمونه ذکر شده معلوم میشود که با تقلب در آراء و واردات آدم از اسرائیل و نه تنها آنها که به زبان عربی مسلطند بلکه حتی کسانی که زبان عربی را نیز نمیدانند تلاش بیهوده ای میکنند تا تعداد آراء و شرکت کنندگان را افزایش دهند.

هیچ ناظر بین المللی حاضر نشده است بر انجام درست انتخابات نظارت مستقیم کند. سازمان ملل نظارت مستقیم را به علت وضع نا امن عراق رد کرده است. حتی نظار اروپائی نیز حاضر نشدند دستشان را در این انتخابات کثیف آلوده کنند. آنها ترجیح دادند در اردن بمانند و به اخبار اسرائیل و آمریکا گوش دهند. آنچه را نشخوار کنند که ایاد علوی و نظار عراقی "کمسیون انتخابات" به آنها تحویل میدهند. در محلهای اخذ رای فقط موافقین اشغال عراق حضور دارند. همه میهن پرستان عراق اعم از سنی، شیعه، کرد و ترکمن این انتخابات قلبی را تحریم کرده اند. اگر حتی همه صندوقهای اخذ رای را با آراء از پیش تهیه شده پر کنند کسی پیشگیری از این عمل نمیکند. رای گیری در واقع میان "خودیهاست". نظارت بین المللی از راه دور از شهر امان در اردن صورت میگیرد. همه این ناظرین جهانی "بی طرف" و فاقد شخصیت ظاهرا به دستگاههای هدایت از راه دور متصل اند. همه بر صحت انتخابات از راه دور تاکید کرده اند. مگر میشد جز این از این آتمهای محترم و بی طرف انتظاری داشت؟ انتخابات میان هواداران رژیم دست نشانده عراق است و نه میان موافقان ناچیز و اکثریت شکننده مخالفان. اگر با زبان بورژواها سخن بگوئیم اصول "مقدس" پلورالیسم در این جا به عمد به فراموشی سپرده شده است، زیرا که دیگر در این عرصه، بنا به ارزیابی مرجع تشخیص مصلحت رژیم عراق و آمریکا دیگر این اسلحه کارائی ندارد. خطر اعمال نفوذ معمولاً در میان احزاب موافق و مخالف وجود دارد و نه میان "خودیها". برای احزاب چند نفره و برای انتخابات آرایش شده طبیعتاً تعداد ظاهری آراء مهم است و نه نسبت آراء که در سرنوشت آنها بهر جهت موثر نیست.

مسئول سازمان "ماموریت بین المللی برای انتخابات" (میدی (MIDI) که یک کانادائی است با آگاهی به ترش بودن ماست این انتخابات قلبی اعلام کرد: "کمسیون انتخابات در عراق چارچوبی برای انتخابات تهیه کرد و آفرید که بطور کلی با قواعد جامعه جهانی مطابقت میکرد". میبینیم که هیچکدام از این ناظرین جهانی نمیتوانند "بی عیب و نقص" بودن این انتخابات از اساس قلبی را منکر شوند.

در روز جمعه یک هفته قبل از انتخابات ۴۱ نامزد انتخاباتی حزب "جمعیت مستقلین" در منطقه صلاح الدین از شرکت در انتخابات منصرف شدند. نام نامزدهای انتخاباتی مخفی بود، تبلیغات انتخاباتی اساساً صورت نگرفت، پس چگونه است که شرکت کنندگان در انتخابات از قبل میدانستند که چه کسی را باید انتخاب کنند؟

کار انتخابات آنقدر زار بوده که حتی دولت دست نشانده عراق قادر نشده است تعداد کافی ناظر عراقی دست و پا کند. کسی حاضر باین خیانت نشده است. نشریه فاینشال تایمز در پنجشنبه ۲۰

ماه ژانویه این امر را بر ملا کرد. این ناظرین معذور در کشور اردن توسط همان ناظرین بین المللی آموزشهای لازم را برای نظارت بر حسن انجام انتخابات دیده اند تا کار هدایت انتخابات و نظارت بر صحت آن از راه دور را ممکن گردانند.

همه ارتجاع جهانی متحد شده است تا عراق و پس از آن خاورمیانه و ممالک دارای مواد اولیه را غارت کند. سرنوشت همه چیز به موفقیت آنها در عراق بر میگردد.

در این محاسبات که دشمنان مردم به مصداق محاسبات "یارو با کوزه روغن" به انجام میرسانند همواره جای نیروی لایزال خلق خالی است. مبارزه در عراق بدون وقفه تا طرد عمال استعمار ادامه خواهد یافت.

انتخابات قلبی عراق نه تنها بیان وحدت عراق نیست بلکه نمای کامل تفرقه ایست که امپریالیستها و صهیونیستها و ممالک همجوار عراق در آن ایجاد کرده اند. عواقب آن در آینده بیشتر معلوم میشود. نزاع شیعیان زیر نفوذ ایران که به جدائی کردستان تن در نمیدهند با کردهای هوادار اسرائیل و جدائی طلب که خواهان حضور امریکائیا در منطقه هستند، تازه آغاز میشود. پان ترکیستهای ترکیه باید در میان کردها، اسرائیلیها و امریکائیا و اروپائیا تصمیم خویش را بگیرند و سرانجام با یکی از آنها همخوابه شوند. بندبازی سیاسی آنها کار را به ماجراجویی کشانده است. آیت الله سیستانی که تا کنون با نیروهای استعمار همکاری صمیمانه کرده است و در کار نهضت مقاومت مردم عراق اخلال کرده است با حق ویژه اکراد که اداره استعماری پل برمر به آنها داده بوده است بشدت مخالف است و خواهان آن است که قانون اساسی عراق رنگ اسلامی داشته باشد.

در عین حال تا قبل از انتخابات قلبی عراق موافقت خود را با شرکت در انتخابات با این استدلال اعلام کرده بود که انتخابات را وسیله ای میبیند تا به حضور امریکائیا در عراق خاتمه دهد. حتی اکثریت کسانی که در این انتخابات قلبی شرکت کرده اند بجز بخش بزرگی از کردها، شرکتشان را با امید خروج نیروهای امریکائی توجیه و بیان کرده اند. حتی قطعنامه سازمان ملل از جنبه حقوقی ادامه حضور نیروهای امریکائی را وابسته به نظر حکومت جدید میکند. ولی ترکیب حکومت جدید را کدام منافع مشترک تامین مینماید؟ در عراق کوهی از تضاد از زمین سر بر میآورد. تنها یک جنبش انقلابی و آزادیبخش قادر است بدرستی این تضادها را به نفع تمامیت راضی و استقلال ملی عراق حل کند. آماج حمله این جنبش باید امپریالیستها و صهیونیستها و دشمنان داخلی آنها باشند. آتش مبارزه و مقاومت در عراق تازه شعله ور و سوزان تر خواهد شد. ایجاد جبهه ای در سراسر جهان برای حمایت از مبارزه مردم عراق جای ویژه ای مییابد.

انتخابات قلبی عراق به ما میآموزد که فریب مانورهای آنها، امکانات تبلیغاتی آنها را نخوریم. این کارزار جهانی بخشی از مبارزه روانی و ایدئولوژیک آنها علیه مقاومت و

مبارزه مردم جهان است. انتخابات قلبی عراق به ما میآموزد که همه ادعاهای امپریالیستها برای استقرار آزادی و دموکراسی، انتخابات آزاد، تحقق حقوق بشر، احترام به عقاید مخالف دروغی بیش نیست. آنها فقط در پی منافع آزمندانده خویش اند.

انتخابات قلبی عراق به ما میآموزد که همه مرتجعین با یکدیگر برای چپاول و غارت دسترنج زحمتکشان و سرکوب انقلاب متحد اند. ما شاهدیم که چگونه همه دستجات دشمن هم برای دشمنی با انقلاب با یکدیگر متحد شده اند. انتخابات عراق به ما میآموزد که رویزیونیستها که خود را به دروغ "کمونیست" مینامند چگونه با دولت دست نشانده آمریکا در عراق که یک دولت استعماری است همکاری میکنند و در عمل نشان میدهند که رویزیونیسم همدست امپریالیسم و صهیونیسم است.

انتخابات قلبی در عراق نشان میدهد که ناسیونال شونیستهای کرد تا به چقدر از نظر سیاسی نابیناوند و از توانائی درک سمت و سوی تحولات آتیه عاجز میباشند. آنها خلق کرد را در پای این نابینائی سیاسی به قربانگاه میربند.

انتخابات قلبی عراق نشان داد که نهضت مقاومت جسورانه مردم عراق بر اساس ملیت، قومیت، مذهب، جنسیت و نژاد متمایز نمی شود. وجه تمایز آن با دشمنان بشریت در تحریم موفق انتخابات قلبی عراق و مبارزه آزادیبخش آنها برای رهایی از دست استعمار است. مبارزه خلقهای عراق یک مبارزه ملی و دموکراتیک بر ضد ارتجاع خونریز و شوم و کریه امپریالیستی است. در این مبارزه هر وسیله ای که در خدمت تاراندن و اخراج امپریالیستها و رهایی مردم عراق بکار آید مشروع و مجاز است.

انتخابات قلبی عراق به ما میآموزد که تنها راه رهایی ادامه مبارزه تا طرد کامل ارتجاع است. انتخابات قلبی عراق به ما میآموزد که دشمنان مردم ایران و منطقه یاران ایاد علوی و همه آن کسانی هستند که اشغال عراق را تائید کرده و انتخابات قلبی آن را دموکراتیک مینامند. آنها آرزوی این نوع دموکراسی را نیز برای ایران دارند. دموکراسی ای که بر اجساد صدها هزار ایرانی استوار شود و منافع شوم امپریالیستها را مد نظر داشته باشد. نوع برخورد به این انتخابات مرز میان دوست و دشمن در میهن ماست.

انتخابات قلبی عراق نشان داد که نیروهای انقلابی ایران از هم اکنون باید مرزهای خویش را با رویزیونیستها و ناسیونال شونیستها که به همدست امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه و از جمله در ایران بدل میشوند روشن کنند. تاخیر مبارزه در این عرصه گمراه کردن مردم است و عواقب خطرناکی دارد. فقط مبارزه است که عرصه جنبش را از سمومات خطرناک پاکیزه میکند و به مردم دید روشن سیاسی میدهد. مماشات با دشمنان مردم خودکشی است.

سفر آیت الله جرج واکر ...

و در راستان امپریالیست آمریکا از عراق و منطقه هستیم. اول فوریه ۲۰۰۵ حزب کار ایران (توفان)

جنایات رهبران صهیونیسم در فلسطین جنایت علیه بشریت است

گزارش سیاسی حزب کار ایران...

که سیمای سیاسی جهان ما را ترسیم میکنند، شرط ارزیابی سیاسی درست از جهانی است که ما را در بر گرفته است. این تضادهای اساسی هستند که خصلت تحولات جهان کنونی را تعیین مینمایند. آنچه جنبه مهمی در این شناخت دارد، شناخت ماهیت امپریالیسم و مبارزه بی امان با این ارتجاع سیاه تاریخ بشریت است. بدون قبول موجودیت پدیده امپریالیسم و شناخت ماهیت بشدت ارتجاعي آن یک روش تحقیق و بررسی علمی مقدر نیست. سیمای سیاسی جهان طوری است که سرمایه داری برای کسب سود حداکثر و غارتگری به جهانی شدن روی آورده و در این عرصه نه تنها استثمار طبقه کارگر را تشدید میکند، بلکه به رقابت میان خویش نیز دامن میزند. این واقعیت است که به تشدید مبارزه طبقاتی منجر شده است. از جانب دیگر تجاوز امپریالیستی به ممالک مستقل تحت عناوین تقلبی به مبارزات خلقهای جهان و نهضت‌های رهائی بخش جان تازه ای دمیده است و آنها را به مقاومت وا داشته است. مبارزه طبقاتی و نهضت‌های ملی ضد امپریالیستی دو عامل مهم در تعیین خصلت کنونی جهان اند. امپریالیستها و قدرتهای بزرگ برای چپاول جهان و کسب سهمیه بیشتر با یکدیگر به رقابت مشغولند و برای این هدف در کار هم اخلاص کرده و خویش را برای ضربه زدن به حریف آماده میکنند. امپریالیست آمریکا در پی تغییر جغرافیای سیاسی پس از جنگ دوم جهانی است و با این انگیزه پا به خاور میانه میگردد و چهره زشت خویش را به امپریالیست روسیه نشان میدهد و دست صهیونیست‌های اسرائیل را بیاری میگیرد و نگاه تهدید آمیزش را متوجه ممالک عربی و نهضت فلسطین مینماید. از این جهت است که دسته بندیهای بزرگ جهانی میان یکدیگر و بر ضد یکدیگر در جهان در حال شکلگیری است، رقابت و تبانی از ماهیت امپریالیسم برمیخیزد. تضادهای اروپا با آمریکا و ژاپن و روسیه و چین و برزیل و هند در سالهای آتی به آنجا منجر میشود که فعالیتهای دیپلماتیک تشدید گشته و بلوک بندیهای سیاسی و نظامی جدیدی در مقابل افسارگسیخته گی امپریالیسم آمریکا بوجود آید. جهان ما آستان حوادث مهمی است یا ما قادریم با انقلاب از جنگ جلوگیری و یا امپریالیسم جهان را، بار دیگر به کام ماجراجویی و مرگ خواهد کشانید.

سمت حرکت جهان در همان جهتی است که حزب ما آنرا در کنگره دوم خود مورد بررسی و پژوهش قرار داد. تجربه سه سال گذشته نشان میدهد که حزب ما در تحلیلها و نظریات خویش به راه خطا نرفته است. یکی از مبانی و دلایل صحت نظریات حزب ما شناخت از دشمن بطور کلی، از امپریالیسم و وفاداری به اصل مبارزه طبقاتی در جهان است. مبارزه ایکه سرانجام به دیکتاتوری پرولتاریا در مقابل دیکتاتوری بورژوازی منجر خواهد شد. این راه تکامل محتوم تاریخ است و راه دیگری وجود ندارد. ...

بقیه در صفحه ۱۰

انتخابات عراق...

مورد خروج بی قید و شرط "آمریکا" و نه "امپریالیست آمریکا" از عراق با صد تا شرط همراه است. آنها دیده اند که فرمولبندیهای قدیمی آنها خریداری ندارد و جنبش مردم عراق نیز کمر امپریالیسم را در منطقه میکشند این است که از امروز در پی ریکاری اند. اعضاء آنها از رهبری میپرسند که موضع آنها در مورد تهدیدات آمریکا و اسرائیل نسبت به ایران چیست و در صورت تجاوز به ایران چه تقاوتی بین این تجاوز و تجاوز به افغانستان و با عراق خواهند دید و تکلیف دشمنی آنها با میهن پرستی کمونیستی و با کمونیستها چه خواهد شد؟ انتخابات عراق خروارها پرسش مطرح کرده است، تجاوز به عراق و افغانستان صدها پرسش مطرح کرده است و دو راه انتخاب برای مردم میماند یا با ارتجاع و امپریالیسم در راه اسارت و تحقیر و نابودی و یا مبارزه مسلحانه آزادیبخش برای تاراندن امپریالیسم و مالاندن پوزه اش بر خاک بین النحرین.

و این را ارتجاع میدانند و بهمین جهت مردم عراق را به کرد و شیعه و سنی تقسیم میکند و آنها را به جان هم میاندازد و از این اختلاف تراشی برای دسیسه های خویش تئوری و توجیه میآفریند. در عراق فقط دو طرف وجود دارد. طرف مردم و طرف ضد مردم، همدست امپریالیسم و دشمن امپریالیسم. جبهه میهن پرستان عراق، جبهه آزادیبخش و جبهه اسارت مردم عراق. در هر دو طرف این جبهه هم کرد هست، هم عرب و هم ترک، هم مسلمان شیعه و سنی هست، هم مسیحی و هم آسوری. این امپریالیست است که وحدت مردم را در مقابل تجاوزش خلق میکند. این دیالکتیک تاریخ است و جز این نمیتواند باشد. بگذارید همدستان امپریالیستها در ایران و عراق عوعو کنند ولی شاهد پیروزی را خلقهای منطقه به آغوش میکشند و برخورد به انتخابات عراق سنگ محک مهمی در تعیین راه آتی تحولات منطقه در میان نیروهای سیاسی منطقه است. مرز دوست و دشمن شفاف میشود. و چهره فریبکارانی که همواره سنگ دمورکراسی دروغین را به سینه میزدند تا ماهیت دمورکراسی طبقاتی را کتمان کنند بیشتر نمایان میشود و این دروسی است که ما باید از آن بیاموزیم و بدیگران بیاموزیم.

مهم این است که مردم میهن ما چشم و گوش خود را باز کنند و همدستان ایاد علوی و جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا و انگلیس را در عراق بشناسند. سلطنت طلبان، توده ایها، اکثریتیها، مجاهدین تازه از راه رسیده خلق، ناسیونال شونیستها از هر نوعی، ساواکیها، رستاخیزی ها، همه و همه دشمنان مردم ایران اند.

این درس مهمی است که هواداران استقلال ایران، آزادی ایران، میهن پرستان ایران باید از آن بگیرند و این دربیوزگان سیاسی را افساء کنند. سر مار را قبل از نیش زدن باید کوبید. فردا خیلی دیر است.

مجاهدین خلق و امپریالیسم...

اسلامی کرد. این تظاهرات امریکائی و اسرائیل پسند که در حقیقت فقط بر ضد "رژیم آخوندی" و بر ضد حق ایران در استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته ای و نشان دادن اینکه جمهوری اسلامی عمده ترین خطر منطقه و جهان است، برگزار شد تا دل امریکائیها را بدست آورد دارای کمی چاشنی حقوق بشر نوع امریکائی نیز بود و از نبود دمورکراسی نوع عراقی در ایران گلایه میکرد. پلیس آلمان با فشار سازمان امنیت نمایش این سازمانی را که تا چند لحظه پیش تروریستی میدانستند ممنوع اعلام کردند. ولی دادگاه اداری برلین ساعتی بعد ممنوعیت این تظاهرات دو هزار نفره از سراسر جهان را با شرایط زیر ملغی کرد:

نام سازمان مجاهدین خلق باید حذف شود. رهبران شناخته شده مجاهدین حق سخنرانی ندارند.

به مطبوعات نیز توصیه شد از بکار بردن نام سازمان تروریستی مجاهدین خوداری کرده و بجای آن از سازمان اپوزیسیون نام ببرند که هوادار خانم مریم رجوی هستند.

باین ترتیب سازمانی که تا دیروز هم عرض القاعده بود بیکیاره عابد و زاهد و مسلمانا.

حقیقتا انسان از معجزات جرج دبلیو بوش در حیرت میماند و بخود میگوید نباشد که وی همانطور که میگوید مهدی غایب باشد. اگر خمینی خردجال بود، جرج بوش حتما مهدی منتقم است.

حال ما شاهد خواهیم بود که روابط مجاهدین با ناسیونال شونیستها کرد ایرانی و سلطنت طلبان شونیست آریائی نژاد، کیهان لندنی حسنه خواهد شد. سرانجام "خلیفه" و "شاه" به وحدت رسیدند. مردم ایران تنها با اتکا به نیروی لایزال خویش و دست رد به سینه امپریالیسم آمریکا و نوکران ریز و درشتش سرانجام رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را سرنگون خواهد کرد و در مقابل تجاوز احتمالی امپریالیسم به ایران قاطعانه خواهد ایستاد و در این نبرد از هیچ فداکاری دریغ نخواهد کرد و جز این نخواهد بود.

از حمایت‌های مالی

سپاسگزاریم

رفیقی از نروژ ۱۵۰ کرون
رفقای از آمریکا ۴۵۰ یورو
رفیقی از جنوب آلمان س.س. ۵۰ یورو
رفیق آرزو ۵۰ یورو
رفیق بابک ۵۰ یورو
رفیق امید ۲۵ یورو
رفیق نادر ۵۰ یورو

سازمانهای سلطنت طلب نوکران امپریالیست آمریکا هستند

تجاوز دسته بندیهای بزرگ امپریالیستی را با مبارزه طبقه کارگر این کشورها پیوند داد. جریان عظیم مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی یکی از روندهای بزرگ مبارزه برای آزادی بشریت خواهد بود که مهرش را به تحولات آتی جهان عمیقاً خواهد زد. حزب ما باید ماهیت امپریالیسم را برملا کند و از جنبشهای انقلابی ملی در سراسر جهان بر ضد امپریالیسم و ارتجاع به پشتیبانی برخیزد.

یارگیری امپریالیستها و تقویت پشت جبهه برای تدارک جنگ

امپریالیستها در پی تسلط بر جهان هستند و این تسلط نخست در عرصه رقابت اقتصادی بین آنها و بتدریج در همه عرصه ها بروز میکند و سرانجام باید تقسیم جهانی که تا کنون میان امپراتوری سوسیال امپریالیستی شوروی و امپریالیستهای غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با تمام رسیده بود اکنون بر اساس تناسب نیروی جدید امپریالیستی تقسیم شود. در این جاست که دوران رقابت اقتصادی و تیز کردن شمشیرها به پایان میرسد و دوران شمشیرکشیها آغاز میگردد. زیرا تنها زور است که سرانجام تناسب جدید قوا را در جهان برقرار خواهد کرد. امپریالیست آمریکا میخواهد در این عرصه یکه تاز باشد و اعلام نیز نموده است که اجازه نخواهد داد کسی بر وی از نظر اقتصادی و نظامی برتری یابد. این تهدیدی مستقیم علیه سایر امپریالیستهاست و مفهوم آن این است که امپریالیست آمریکا به مجرد اینکه احساس کند امپریالیست دیگری دارد بتدریج بر وی سبقت میگیرد، با نیروی نظامی و فشارهای اقتصادی، خرابکاری و جاسوسی و مبارزه ایدئولوژیک کار آن امپریالیست "بی ادب" را که پا را از گلیم خودش بیرون گذاشته است خواهد ساخت و دایره را بر وی تنگ خواهد کرد. این امری نیست که سایر امپریالیستهای ضعیفتر و رقبای آمریکا احساس نکرده باشند. این است که هر روز تلاش میکنند مناسبات خود را بر اساس وضعیت جدید با روسیه، چین، ژاپن، هندوستان، برزیل و... متحول و تنظیم سازند و دوستان جدیدی در عرصه جهان بیابند.

برای این کار امپریالیستها در عرصه رقابت با خود نیاز دارند که یارگیری کنند و قدرت خود را افزایش دهند در این جا ما با تضاد و رقابت میان امپریالیستها و نتایج آن در جهان روبرو هستیم. اختلافات اتحادیه اروپا و آمریکا، اختلافات آنها با روسیه و اخیراً تبلیغات ضد چینی با تکیه بر خطر تهاجم اقتصادی چین به این کشورها، سر بلند کردن ملیتاریسم ژاپن حاکی از اختلافاتی است که میان اروپا و آمریکا، روسیه و آمریکا، روسیه و اروپا، چین و ژاپن وجود دارد. امپریالیستهای غربی در پی تجزیه روسیه و تضعیف این قدرت اتم هستند. آنها دست از سر اوکراین، چین، روسیه سفید، کالینینگراد برنخواهند...

بقیه در صفحه ۱۱

نیروی قهر و اجبار غیر اقتصادی بکار نمیروند بلکه همه چیز "دموکراتیک" مسالمت آمیز و با بند نامرئی قهر اقتصادی انجام میگیرد. سرمایه داری در حالیکه لوح دفاع از حقوق بشر را به دست چپ گرفته است با پنبه در دست راست سر میبرد. رهبران خود فروخته اتحادیه های کارگری نیز به دلداری کارگران مشغول شده و به آنها میگویند که همه سختیها را بپذیرند و صدایشان در نیاید، چون ممکن است وضعیت از این هم بدتر شود. آنها سیل عظیم بیکاران را به رخ کارگران شاغل کشیده، و میگویند خوشحال باشید که هنوز کار دارید. اتحادیه های کارگری در واقع شرایط ذهنی اسارت زحمتکشان را در خدمت سلطه سرمایه آماده میکنند و از تشکل طبقه کارگر جلو میگیرند.

همه حقوقی را که طبقه کارگر در این مدت بدست آورده بود از وی باز میستانند. کارگران را به صورت اجاره ای و روزمزدی استخدام کرده و از انعقاد قراردادهای دستجمعی با نمایندگان کارگران و اتحادیه های کارگری طفره رفته و سرباز میزنند. این موج جدید برده داری مدرن را در زیر لوای ایدئولوژی لیبرالیسم بورژوازی نوین و جهانی شدن سرمایه جا میزنند و از آن دفاع میکنند. جهانی شدن سرمایه یعنی کشف بهترین شرایط استثمار در جهان که بتوان حداکثر سود را در آن بدست آورد.

این وضعیت مبارزه طبقه کارگر را علیه سرمایه داران و سرمایه داری تشدید میکند. تضاد کار و سرمایه با حدت بیشری تجلی کرده و کارگر و سرمایه دار بنحو بارزی در مقابل هم قرار میگیرند. تضاد امپریالیستها با یکدیگر، تضاد اتحادیه های جداگانه سرمایه داری و کنسرنها با یکدیگر که مکمل تضاد کار و سرمایه هستند حادثر میشوند و بر روی هم تأثیرات متقابل میگذارند.

امپریالیستها در تلاش برای کسب مناطق نفوذ بیشتر راهی ندارند که خلقهای این ممالک را در کنار طبقه کارگر این کشورها مورد ستم قرار دهند و منابع اولیه آنها و امکانات زندگیشان را غارت کنند. جهانی شدن سرمایه قانون محتوم تکامل سرمایه داری است و در این حرکت ناچار است گورکنان خویش را نیز آماده کند. این حرکت جهانی سرمایه که تضمین اجراء، تحقق، امنیت آن بعهده ارتش و نیروهای نظامی امپریالیسم است از سوئی به افزایش بودجه های تسلیحاتی سرسام آور منجر میشود، و از سوئی دیگر موجی از مقاومت در ممالک زیر سلطه و ستم امپریالیستی ایجاد خواهد کرد. افشار و طبقات گوناگون مردم که از ستم امپریالیستی و هجوم سرمایه جهانی رنج میبرند به این نیروی ملی خواهند پیوست.

ما با اوج جدیدی از جنبشهای ملی و آزادیبخش روبرو خواهیم بود که پاسخ مستقیمی به جهانی شدن سرمایه و رقابت با جنگ و دندان امپریالیستها که با یکدیگر برای کسب مناطق نفوذ بیشتر مبارزه میکنند، میباشد. این شعار نلین که کارگران جهان و خلقهای ستمکش متحد شوید به نحو بارزی نمایان میشود. بر این اساس باید مبارزه ملی انقلابی و ضد امپریالیستی در ممالک مورد

گزارش سیاسی حزب کار ایران...

تسلط بر بازارهای شرق و وضعیت طبقه کارگر

پس از فروپاشی امپراتوری سوسیال امپریالیسم شوروی که یکی از مراکز بزرگ ضد انقلاب جهانی بود، رقابت شدیدی بر سر تقسیم مجدد جهان میان ممالک امپریالیستی و شرکتهای فراملیتی در گرفته است. این مبارزه هنوز با شدت بیشتری به پیش میرود.

فروپاشی اردوگاه ضد انقلاب روسیه امر مثبتی بود که ضربه جانانه ای به رویزیونیستهای خائن وارد آورد و منجر باین شد که بخش بزرگی از طبقه کارگر از زیر نفوذ بختک رویزیونیسم بدر آیند و راه برای جان گرفتن مجدد جنبش کمونیستی انقلابی فراهم آید. امروز دست و پا زدنهای رویزیونیستها برای ادامه فعالیت بی دورنما حکم جان کندن دارد که نتایجش از هم اکنون در همدستی با امپریالیسم روشن است. ولی این فروپاشی چهره سیاسی جهان را در آرایش نیروها بکلی تغییر داد.

تصاحب این ممالک اروپای شرقی و مناطق نفوذ سابق شوروی بازارهای بزرگی را در اختیار سرمایه داران غرب قرار داده و میدهد. امپریالیستها نه تنها بر این بازارها دست یافته اند، بلکه مواد اولیه و منابع این ممالک را نیز در اختیار خویش گرفته اند.

در کنار این هجوم امپریالیستی نیروی کار ارزان قیمت طبقه کارگر این ممالک که از هرگونه حقوقی محروم بوده و در شرایط سختی بسر میبرند در اختیار سرمایه بین المللی قرار گرفته است. سرمایه داران بعلت فقدان احزاب کمونیستی واقعی قدرتمند که طبقه کارگر را متشکل کرده و آنها را به حقوق خود واقف گردانده و به مبارزه با سرمایه داری فرا بخوانند کارگران ملیتهای مختلف را علیه هم تحریک کرده و سطح دستمزد آنها را تنزل میدهند. آنها سرمایه های خویش را به مناطقی منتقل نمودند و هنوز نیز میکنند که شدت درجه استثمار بالاست و آنها موفق میشوند بهترین و پر سودترین بهره کشی را انجام داده خود را برای رقابت با سایر رقبای مهیا سازند. همین پراتیک نشان میدهد که نیروی کار طبقه کارگر سرچشمه ثروت است و سرمایه داری از خون کارگران و ارزش اضافه تولید آنها حق حیات مییابد.

این وضعیت موجب بیکاری در ممالک متروپل است. طبقه کارگر در این ممالک توسط عفریت بیکاری روزانه تهدید میشود و علیرغم اینکه حاضر است با حقوق کمتر و ساعت کار بیشتر به نفع سرمایه دار کار کند ولی پایانی بر این طمع سرمایه داری در افق زندگی اقتصادی و روزمره کارگران دیده نمیشود. به شرایطی که کارخانه زمینس، کرایسلر مرسدس، اوپل، فولکس واگن به کارگران تحمیل کرده است نظری بیفکنید تا مفهوم واقعی تروریسم کور و بی وجدان را درک کنید. سرمایه داران با تهدید به اینکه کارگر اوکرائینی با حقوق کمتری این کار را میکند کارگر "خودی" را چنان زیر فشار قرار میدهند تا شرایط کار کارگر اوکرائینی را "داوطلبانه و دموکراتیک" بپذیرد. در اینجا

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

گزارش سیاسی حزب کار ایران...

داشت. مسئله ثبت را علیه چین همواره داغ نگاه میدارند تا به موقع از آن برای تهاجم تبلیغاتی استفاده کنند. در کنار مسئله ثبت غده سرطانی بنام "جزیره تایوان" است که از آن مدتها به عنوان مسخره "چین ملی" نام میبرند. امپریالیست آمریکا همواره این جزیره را علیه سرزمین مادری چین تحریک میکند و وی را تا دندان مسلح میگرداند تا از آن برای مقابله با جمهوری خلق چین در زمان ضروری استفاده کند. آنها به اختلافات مرزی چین و هند با سرور مینگرند. محاصره چین در دستور کار امپریالیستهاست. لیکن آتش چین در روسیه تا موقعیکه از جانب امپریالیستهای غرب به آن دامن زده شده و از جانب امپریالیست روسیه به حق مردم این سرزمین بی توجهی شود شعله ور خواهد بود و زمینه هر تحریکی را فراهم میآورد.

امپریالیست آمریکا میخواد سرکردگی خویش را بر جهان تحمیل کند. این سرکردگی زمانی تحمیل میگردد که امپریالیست آمریکا بتواند از نظر اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، حقوقی، فن آوری علمی تفوق خویش را به سایر امپریالیستها با استمرار تحمیل کند و تناسب قوا را به نفع خویش تغییر دهد. مبارزه ای را که امروز در سراسر جهان در گرفته است و نتایجی که در اثر این اختلافات بروز میکند و بلوک بندیها، اتحادهای موقتی، اختلافات گذرا و یا دائمی که پیدا میگردد فقط با شناخت از این تضادهای اساسی جهان میتوان توضیح داد و تفسیر کرد. سخن بر سر یارگیری امپریالیستها و تقویت پشت جبهه آنها برای تدارک جنگ احتمالی در آینده است. مارکسیستها همواره معتقد بوده اند که صلح وضعیت زمانی موقتی برای تجدید قوا بخاطر تدارک و انجام جنگ بعدی است، صلح تنفس بین دو جنگ است، صلح آتش بس موقت تا لزوم تجدید نظر مجدد در آرایش تناسب جدید نیروهاست. ولی فقط با انقلاب میتوان جلوی جنگ جهانی، این فاجعه ضد بشری را گرفت.

البته بنا بر قانون رشد ناموزون تکامل سرمایه داری این امپریالیست آمریکا نخواهد بود که برای ابد سرکردگی دنیای امپریالیسم را بعهده خواهد داشت. مسیر تاریخ عکس آنرا ثابت کرده است. برخورد امپریالیستها با یکدیگر محتوم است و کمونیستها باید با انقلاب خویش سوسیالیسم را در شرایط مناسب جهانی در هر کشوری که امکان تحقق آن ممکن است مستقر سازند و باید خود را برای چنین روزی آماده کنند. شناخت از ماهیت امپریالیسم در عین حال اعتقاد به انقلاب سوسیالیستی در کشور واحد است و مرزبندی روشنی با رویزیونیسم و ترورسکیسم خواهد بود.

وضعیت روسیه و امپریالیستی

پس از فروپاشی امپراتوری سوسیال امپریالیستی شوروی رویزیونیستهای این

کشور در دشمنی با کمونیستها و طبقه کارگر به خیانت ملی تن دادند. از همان زمان ریاست جمهوری بوریس یلتسین بزرگترین مجتمع های تولیدی را با رشوه خواری و همدستی با امپریالیستها و صهیونیستها خصوصی کردند و در اختیار طبقه حاکمه نوین روسیه شوروی، یعنی در اختیار تزارهای نوین گذاردند. صنایع نفت از جمله این ثروتهای ملی بود که یکشنبه خصوصی شد و بر اساس زد و بندهای داخلی و رشوه خواری در اختیار عمال امپریالیسم غرب و صهیونیسم جهانی قرار گرفت. بسیاری از مقامات دولتی و مدیریت تولیدی و صنایع کلیدی را در هرج و مرج بوجود آمده جاسوسان دست پرورده آمریکا در اختیار گرفتند. تجزیه روسیه را کامل کردند و از نفوذ آن در اروپای شرقی و آسیا کاستند. امروز پس از سالها سرشکسته گی و غارت روسیه بنظر میرسد که امپریالیسم روس در صدد آن است که سنگرهای از دست داده را مجددا تسخیر کند. مبارزه ایکه بر سر شرکت های نفتی در گرفته با دستگیری و فرار عمال مستقیم امپریالیستها و صهیونیستها احساسات ملی را در روسیه تقویت کرده و مردم تمرکز قدرت در دست شخص پوتین را با رضایت مینگرند. روسیه بار دیگر در پی تقویت قوای نظامی خویش است و نمیخواهد وضع طوری شود که عقب ماندگی نظامی و فنی اش نسبت به سایر امپریالیستها با تاخیر همراه باشد. زیرا در آن صورت در بده بستانهای جهانی از بخت کمتری برخوردار است. نزدیکی روسیه به چین و اروپا، تلاش برای کنار آمدن با ژاپن و ترکیه، همکاری با ایران در خدمت سیاست راهبردی نوین روسیه برای تقویت سریع خویش و به قیمت فشار بر زحمتکشان روسیه است. سایر امپریالیستها تلاش میورزند در عین تبانی با روسیه در عرصه جهانی مثلا در مورد مسئله عراق، سازمان ملل متحد، در موارد دیگر نظیر ممالک فقفاز یعنی در آذربایجان، گرجستان، چین و یا آسیای میانه و بخش اروپایی روسیه یعنی در روسیه سفید و اوکراین ایجاد تفرقه کرده و روسیه را با مسایل مشابه آنچه که در صربستان گذشت سرگرم نگاهدارند تا هر زمان ضربه پذیر باشد. تلاش امپریالیستها برای بلعیدن اوکراین که بخش غربی آنرا بطور سنتی وابسته به امپراتوری اتریش جلوه میدهند، تلاش برای کنترل لوله های انتقال انرژی از روسیه است. نزدیکی و دوری امپریالیستهای اروپایی به روسیه و حوادثی که در روسیه در جریان هستند را فقط باید از این دریچه نگاه کرد و توضیح داد. خیانت حزب رویزیونیست روسیه که مبارزه طبقاتی را به فراموشی سپرده و بجای رهبری انقلابی طبقه کارگر انقلابی بلشویکی روسیه سازش طبقاتی را تبلیغ میکند و رهبری مبارزه ملی در غارت روسیه را بدست پوتینها داده است با موافقت روشن امپریالیستها و دولت تزار نوین روسیه است. این ویژه گی روسیه باید مورد توجه بلشویکهای روسیه قرار گیرد.

امپریالیستهای اروپایی و به ویژه آلمان بارها اعلام کرده اند که مرزهای اروپا را که پس از جنگ جهانی اول با "زور" پدید آمده اند برسمیت نمیشناسند. آنها خواهان آن هستند که مرزهای جهان به وضعیت قبل از جنگ جهانی اول یعنی به وضعیت قبل از انقلاب کبیر اکتبر بلشویکی عودت داده شود. تلاش آنها برای تجزیه اوکراین، تلاش آنها برای تجزیه یوگسلاوی تلاش آنها برای دست اندازی به کالنینین گراد (کوننگزبرگ سابق- توفان) و روسیه سفید که امروزه بخشی از خاک روسیه است همگی در خدمت تحقق سیاستی است که از آن سخن رانده اند. مسلما روسیه بیش از سایر کشورها آماج حمله چنین سیاستی است. هم امروز از وابستگی تاریخی اوکراین به امپراتوری اتریش و خاندان هابسبورگ سخن میرانند. این سخنان را زمانی میگویند که ملت های اروپای شرقی ده ها سال است که یوغ امپراتوری اتریش را بدور افکنده و ممالک مستقلی ایجاد کرده اند. هم اکنون نبردی برای تسلط بر اوکراین که گذرگاه بزرگ لوله های انتقال نفت و مواد اولیه روسیه است در گرفته است. فاشیستهای همدست هیتلر بیکیاره "قهرمانان ملی" از کار در آمده اند که علیه "جنايات استالین" میرزمیده اند. در کنار این نبرد اروپا بیست در صد انرژی خویش را از روسیه تامین میکند و آلمان با ۴۰ درصد تامین گاز از شرکت گازپروم روسیه در راس آنها قرار دارد. جریان یافتن این انرژی از طریق شبکه وسیع انتقال لوله های نفت و گاز در اوکراین صورت میگیرد. تناقضات این ممالک، رقابت و تبانی آنها را باید در این چهارچوب شناخت. روسیه متحد اروپا در مبارزه با آمریکا ولی رقیب اروپا در تسلط بر اروپای شرقی است. کنترل لوله های انتقال نفت و گاز روسیه در اوکراین به مفهوم خفه کردن روسیه است تا قادر نباشد نفت و گاز خود را در بازار آزاد به فروش رسانده و ارز لازم را برای ترمیم اقتصاد خویش فراهم آورد. اوکراین در واقع محل بیچاندن شیر لوله های انتقال انرژی است. بسته شدن این لوله ها و بسته بودن راه چین و آذربایجان و گرجستان به ایران، روسیه را وادار خواهد نمود که برای دستیابی به شرق ایران برای رسیدن به دریای عمان تلاش کند و مناسبات خویش را با ترکیه و ایران بهبود بخشد. در عوض امپریالیست آمریکا لهستان را تقویت میکند تا در اروپای شرقی موی دماغ آلمان باشد و نقش ستون پنجم آمریکا را در پشت جبهه اروپا بازی کند. این یارگیری و بلوک بندی در حال شکلگیری است و در سالهای آتی جهان را به دسته بندیهای بزرگ سیاسی که در پی تامین منافع استراتژیک خود هستند سوق میدهد. شناخت این تحولات در حرکت تاریخی خویش برای اتخاذ موضع ما کمونیستها در مبارزه طبقاتی بسیار مهم است. سوسیالیسم در شکست حلقه امپریالیسم امکان پیروزی دارد. در مکانی که به گره گاه این تضادها بدل شده است. (ادامه گزارش در شماره بعد).

پیروزی مبارزه ملی مشروط به تامین سرکردگی طبقه کارگر است

مجاهدین خلق و امپریالیسم آمریکا

اشن مورد پرسش است. نخستین پرسش این است که چه کسی وارث سنن انقلابی سازمان مجاهدین خلق است. آیا در تقسیم میراث انقلابی مجاهدین، سلطنت طلبها و یاران آمریکا نیز شریکند؟ آیا نمایندگی از این سنن به ریش سفیدی، به قدمت، به همجواری با شهدا و خانواده آنها و یا به چنین مسایل سطحی باز میگردد؟ آیا رهبری در سازمان مجاهدین خلق ارثی است، وابسته به گروه خونی و یا ژنتیکی است؟

مگر نه این است که ماهیت یک سازمان علی الاصول بر اساس خط مشی و برنامه اش تعیین میگردد؟ اگر چنین است که صد البته چنین است سازمان کنونی مجاهدین خلق نمیتواند خویش را وارث سنن انقلابی حنیف نژادها، سعید محسن ها، رضائی ها، بدیع زادگان ها... و به حساب آورد. راه آنها بیراهه ای نیست که مجاهدین کنونی سر در راه آن نهاده است و امپریالیستها و مرتجعین برایش دست میزنند.

به این اسناد نظر افکنید و مضمون آنها را با گفتار و کردار مجاهدین امروزی مقایسه کنید. بی نیاز از هر گونه تفسیری است. برای حزب ما روشن نیست که چگونه میتوان

اعضاء خود را شستشوی مغزی داد و در بی خبری مطلق نگهداشت. مگر این نیست که قدرت نیروهای انقلابی در آگاهی مردم و در آگاهی اعضاء خود آنهاست و باید باشد؟ جهالت و نادانی سرچشمه همه مصائب اجتماعی است. تشکلی که جهالت را مبنای سیاست عملی خویش قرار دهد قادر نخواهد بود مردم را بسیج کند و آنگاه اساسا لزوم بقاء

مشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید

در پیرامون انتخابات قلابی عراق و تبلیغات دروغین سازمان یافته امپریالیستها و صهیونیستها و همه ارتجاع منطقه. انتخابات قلابی عراق با نتایج قابل انتظار به پایان رسید.

نهضت مقاومت مردم عراق از این مبارزه سربلند بیرون آمد و نشان داد که به جز مثنی خود فروخته در کردستان عراق و یا روحانیت خود فروخته وابسته به ایران کسی در این انتخابات شرکت نکرد. این عده نیز اقلیتی در میان ۱۵ میلیون واجدین شرایط انتخابات بودند. تمامی هوچیگری گوشخراش امپریالیستها تا یک برنامه شکست خورده... **بقیه در صفحه ۶**

آرتور میلر نویسنده مترقی آمریکائی در گذشت

آرتور میلر Arthur Miller فرزند یک لهستانی یهودی مهاجر به سرزمین رویاها یعنی به آمریکا بود. وی در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۱۵ در دوران جنگ جهانی اول به دنیا آمد. وی زندگی خود را بعد از ورشکستگی پدرش در بحران اقتصادی آمریکا از راه کارگری، رانندگی کامیون و نویسندگی برای نشریه "میشیگان دیلی" تامین میکرد و از همان جا بود که با درد بهره کشی انسان از انسان و رنج طبقه کارگر آمریکا آشنا شد و به حمایت از کمونیسم برخاست. اثرش بنام "مرگ یک دستفروش" نقدی بیرحمانه نسبت به "شیوه زندگی آمریکائی" بود که جایزه پولیتزر را از آن خود کرد. اثر جاودانی دیگر وی بنام "تعقیب قرون وسطائی" ("ساحرگشتی") که بیان اختناق و تعقیب آزادیخواهان، دموکراتها و کمونیستهای آمریکائی در دوران سیاه سناتور مک کارتی بود داغ ننگی است که بر جبین امپریالیسم آمریکا میکوبد. در این دوران خفقان که "آیت الله گیلانی" نوع آمریکائی بر قدرت نشسته بود، آرتور میلر، هوارد فاوست، چارلی چاپلین، همفری بوگارت، آلبرت اینشتین، برتولت برشت، توماس من و بسیاری دیگر چهره های درخشان... **بقیه در صفحه ۲**

Workers of all country
unite!

Toufan توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 60 – March 2005

قطعه نامه کنگره حزب کار ایران (توفان) در مورد اشغال استعماری کشور عراق

نظر به اینکه امپریالیسم آمریکا به منظور جنگ انداختن بر چاههای نفت کشور عراق و کنترل کل منطقه خلیج فارس و پیش روی استراتژیک در رقابت با سایر بلوکهای امپریالیستی در جهت استقرار "نظم نوین جهانی" به اشغال وحشیانه و ضد بشری عراق و ویران سازی شیرازه زندگی مردم دست زده است.

نظر به اینکه ماهیت این تجاوز، استعماری و خلاف تمامی موازین برسمیت شناخته شده بین المللی و کنوانسیون های (معاهدات) سازمان ملل متحد است. نظر به اینکه جملگی دلایل اشغال عراق مبنی بر همکاری دولت عراق با القاعده و داشتن سلاح کشتار جمعی و بمب اتمی، کذب محض بوده بطوریکه حتا امروزه در ممالک متجاوز در میان دولتمردان آن کسی پیدا نمیشود که این اکاذیب جنگ افروزانه را مورد تائید... **بقیه در صفحه ۵**

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ:20110022KontoNr.:573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany